

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

با فعالیت‌های سندیکایی زحمتکشان

جهان آشنا شویم (صفحه ۲)

سیاست ایران انقلابی کدام است؟

د روزگار ما، بیش از هر عصر زمانی، تعادل زندگی و دوام هستی هر کشور، بزرگ یا کوچک، در ارتباط ناگزیر با مجموعه کشورهای است که صورت می‌بندد. بازرگانی و تبادل ارزهای حتی تولید و اقتصاد، داد و ستد فرهنگی و تکنولوژیکی، نظم درونی و آرامش مرزها، شبکه‌دوستی‌ها و اتحادها با تار و پود منافذ مشترک و خطر مشترک، قدرت جنگ برای تامین صلح، و خود امکان مستقل بودن یاد چارمیخ و بستگی و غارت زدگی و فرمانبری ماندن، همه این رشته‌ها، اگر یک سرش به دست ماست، سرد دیگر را دیگران اند که در دست دارند. دیگری که چه بخواهیم و چه نخواهیم، ما را در زمین گرفته‌اند و با دوستی یا دشمنی خود راه را بر ما آسان یا دشوار می‌سازند. حقیقتی ساده و عام، که نباید از یاد برد.

سیاست، یعنی دیدن و سنجیدن خود و دیگران، و راه خود یافتن و رفتن، با دیگران یا به رغم دیگران. در این رابطه، شناخت هر چه دقیق‌تر آنچه مطلوب است و آنچه ممکن است، باید نخستین شرط یک سیاست موفق شمرده شود. پس، به‌صورت، باید بر توانایی‌ها و ضعف‌های خود و دیگران آگاه بود. و این آگاهی، در شرایط کنونی پیشرفت دانش و تکنیک، در برررسی آمار و پیش‌بینی احتمالات بر پایه اطلاعات همه جانبه یعنی تبلور می‌یابد. بدین سان، امکان آنکه آرزوهای ورود راز شخصی یا گروهی واقعیت موجود شمرده شوند و سیاست کشور را به بیراهه بکشانند و با ناکامی و شکست مواجه کنند از میان می‌رود. دور از ما که بخواهیم ردخش برق آسای نوابغ سیاست را که در فضای انقلابی امروز ایران فراوانند منکر شویم. در این مرز بوم خجسته به گفته حافظ، طفل یکشبه همیشه ره صد ساله رفته است. اما، حقیقت سرسخت آن است که آگاهی واقع بینانه و خونسرد که لازمه هر سیاست درست و موافقی است، جز با کارها هماغه هم پیوسته و معقول سراسریک دست‌نگاه بدست نمی‌آید. سیاست جای بدیهه پردازی "نوابغ" نیست. چاره اندیشی‌های فردی و آئی، کلک، لاف و کزاف بی‌پشتوانه - خاصه آنجا که حریف بهتر از تو میدانند که در چنته ات چیست - راه به جانی نمیبرد، زمینه استواری برای آینده بوجود نمی‌آورد. و حال آنکه آینده ساخت و یافت مطلوب آن انگیزه اصلی و دغدغه هر سیاستی است. بقیه در صفحه ۸

نقشه‌های پنتاگون برای خلیج فارس

تدارکات ایالات متحده در اقیانوس هند حالت تهدید آمیزی به این منطقه داده است. در حال حاضر بیش از ۳۰ کشتی جنگی آمریکا مجهز به سلاح‌های هسته‌ای و یک واحد ۲۰۰ نفری از زیردریغ‌ها در این منطقه حضور دارند. بگفته‌های استراتژیک نظامی آمریکا، جدید اسلحه درخا و میانه هستند. فراتر از این ناحیه در پروازند فرستادگان

سرمایه‌داری و جهان در راه رشد

ترجمه: الف. مسعود (قسمت دوم)

بحران سالهای ۱۹۷۵ - ۱۹۷۴ بر پایه تورم شتابان و تشدید فزاینده مسایل اقتصادی بین المللی سرمایه‌معاصر (مواد اولیه، انرژی، پولی و مالی، محیط زیست و تغذیه) گسترش یافته است. این بحران به طرز روشنی رابطه منطقی روز افزون میان بحران‌های دوره‌ای اضافه تولید - که به تشدید تضادهای کاهش‌ناپذیر مجموع سیستم سرمایه‌داری جهانی منجر می‌شود - و ناموزونی رشد اقتصادی گروه‌های مهم کشورهای دو قطب متضاد سیستم را نشان داده است. با وجود این، این ناموزونی را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن عوامل دراز مدت رشد جمعیت تجزیه و تحلیل نمود. داده‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهند که دوگرایش

متضاد پس از جنگ دوم جهانی در زمینه رشد جمعیت در کشورهای نوپا و کشورهای سوسیالیستی بروز نموده است. فوران جمعیت در مستعمره‌های سابق و کشورهای وابسته آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین و فروکش کردن تدریجی نرخ رشد جمعیت در مراکز مهم سرمایه‌داری ناگزیر موجب تغییرات جدی در توزیع منابع انسانی بین این دو گروه کشورها شده است. در ۱۹۷۸ - ۱۹۵۰ جمعیت کشورهای در راه رشد تقریباً ۱۰۳۰ میلیون نفر یعنی نزدیک به دو برابر افزایش یافت، در صورتیکه فزونی جمعیت کشورهای سرمایه‌داری در همین دوره ۱۹۵ میلیون نفر یعنی کمی بیش از یک سوم بوده است. در نتیجه ملاحظه می‌شود که در پایان دهه ۷۰ قریب ۳ جمعیت سراسر جهان غیر سوسیالیست در کشورهای مستعمره سابق تمرکز یافته، در صورتیکه در آغاز دهه ۱۹۵۰ این نسبت تقریباً ۱ بوده است. مجموعه این عوامل ناگزیر در رابطه نرخ رشد تولید سرانه کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای در راه رشد تأثیر گذاشته است. آمارهای سازمان ملل متحد به روشنی نشان می‌دهند که در دوره پس از جنگ گرایش به توسعه فاصله دو گروه از کشورهای در راه رشد مهم تر در شاخص‌ها منعکس می‌گردد. در بقیه در صفحه ۸

اجلاس هیئت رئیسه شورای جهانی صلح

بوداپست، هشتم تا دهم ماه مه ۱۹۸۰

قطعنامه درباره امنیت و همکاری اروپا

همکاری اروپا

هیئت رئیسه شورای جهانی صلح هنگامی در بوداپست تشکیل جلسه داده است که سی و پنجمین سالگرد پایان جنگ در اروپا جشن گرفته می‌شود. میلیونها مردم اروپا در یک دوره تلخ و طولانی بیکار و تحمل قربانی‌ها رنج بردند تا آنکه پیروزی بر فاشیسم بدست آمد. در سپه‌ای گذشته بسیار روشن است دیگر هرگز نباید اجازه داده شود که بلای جنگ دنیا را آشفته سازد. باید بر موانع راه تشنج زدائی و خلع سلاح فائق آمد. بر اثر مبارزه ای دشوار و طولانی - که جنبش صلح در آن نقش مهمی بازی کرد - تهدید جنگ جهانی متوقف گردید. در باطل جنگ‌های جهانی شکسته شده است. اروپا که نقطه آغاز و جنگ

جهانی بود. اکنون طولانی ترین دوره صلح تاریخ خود را از سر می‌گذرانند. امضای سند نهایی هلسنکی در اوت ۱۹۷۵ نقطه اوجی در مبارزه بخاطر امنیت و همکاری در اروپا بود. با این همه، حتی هنگامیکه این سند در جریان امضاء شدن بود، نیروهای در کارزمینه - چینی برای تجدید تعرض جنگ سرد بودند.

در ماه مه ۱۹۷۸، درست هنگامیکه جلسه اختصاصی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در باره خلع سلاح برای پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی سرگرم بحث بود، سران کشورهای ناتو در ملاقاتی که در واشنگتن صورت گرفت در باره برنامه

الجزیره

به راه انقلابی خود ادامه می‌دهد

حوادث پس از مرگ هواری بومدین رئیس‌جمهور الجزیره آرزوهای دیرین امپریالیست‌ها و مترجمین داخلی راسخست تحریک نمود. اما خلق الجزیره، نیروهای میهن‌پرست و انقلابی آن منجمله کمونیست‌ها و حزب انقلابی شان - حزب آوانگارد سوسیالیستی الجزایر - موفق شدند سمت گیری منعکس در منشور ملی یعنی راه رشد غیر سرمایه‌داری را با دورنمای ساختمان سوسیالیسم حفظ و تحکیم نمایند و بدین سان تحریک جدیدی به انقلاب دموکراتیک ملی بدهند. برای ارزیابی اهمیت این گامیابی‌ها، تحلیل برخی رویداد های تازه ضرورت می‌یابد.

در بی‌بیماری و مرگ رئیس‌جمهور بومدین (اکتبر ۱۹۷۸) مبارزه طبقاتی در الجزیره شدت یافت و کشور را وخامت جدی روبرو گردید. این مبارزه در ارتباط با راه‌های متضاد رشد اقتصادی بین دو گرایش بوقوع پیوست: یکی ترقیخواه - هانه که هواداران آن معتقد به ادامه انقلاب و رعایت دقیق منشور ملی بودند و دیگری محافظه کارانه، متمایل به

فصلی از کتاب

داغستان من

(صفحه ۴)

قانون اساسی تازه

افغانستان

(صفحه ۶)

بی‌سابقه پانزده ساله‌ای به منظور توسعه زرادخانه تسلیحاتی خود موافقت کرد. ناتو پیشنهاد های پرزیدنت برژنف را در اکتبر ۱۹۷۹ به منظور مذاکره در باره کاهش تعداد موشک‌های هسته‌ای در اروپا در ماه دسامبر ۱۹۷۹ و اخذ تصمیم جهت کاهش تولید و آرایش جنگی موشک‌های اتمی کرووز و پرشینگ ۲ رد کرد. تصمیم بقیه در صفحه ۵

هماهنگ کننده نیروهای مسلح انتخاب نمود (بومدین وزیر دفاع بود). شورای انقلاب در سوم دسامبر ۱۹۷۸ - اعلامیه‌ای مبنی بر تأیید مجدد سمت گیری ضد امپریالیستی و ترقیخواهانه الجزیره صادر نمود. افسران ارتش ملی خلق همان مواضع را بدست گرفتند و اعلام داشتند که ارتش ضامن بقیه در صفحه ۳

"لیبرالیسم" اقتصادی و سازشکار با امپریالیسم. این مبارزه در دورانی گسترش یافت که امپریالیسم صهیونیستی آشکارا می‌کوشید موقعیت الجزیره را بیش از پیش دچار بی‌ثباتی سازد. نخستین رویداد های مثبت در ارتش و شورای انقلاب به وقوع پیوست. ارتش سرهنگ شادلی بن حدید را به عنوان



کمک دولت به انحصارات

دولت که به ابزار انحصارات بدل شده در خدمت گسترش این انحصارات و تقویت آنها قرار دارد. انحصارات به موهبت این کمکها به سودهای قابل ملاحظه (سودهای انحصاری) دست می یابند. این کمک از راههای مختلف صورت می گیرد:

تامین هزینه سرمایه گذاریها

تحول تکنیک های جدید نشان می دهد که ابزار کار در عصر ما با آنچه در پنجاه سال پیش بود، هیچ قابل مقایسه نیست. قیمت ابزارها بسیار بالا است.

بنابراین، انحصارات برای تامین سرمایه گذاری هایشان (خرید ماشین ها، ابزارهای کار، احداث ساختمان ها و غیره) بیش از پیش به دولت رو می آورند. آنها برای این کار

وام هائی با بهره کم دریافت می دارند، یا اغلب این کمکها بصورت اعانه به آنها داده می شود.

کمکهای مالیاتی

کمک های مالیاتی شکل مخصوصاً "مهمی از کمک دولت به انحصارات است. به همین علت آنها مالیات ناچیزی می پردازند.

بررسی وزارت دارائی فرانسه در ۱۹۵۴ نشان می دهد: ۲۲۰۰۰ شرکت سهامی که نمایند ۳۱٪ مجموع شرکت های صنعتی و تجارتي بوده است و مجموع عملکردشان ۷۸۸ میلیار فرانک بود، ۲۴۲ میلیارد فرانک مالیات دادند در صورتی که جمع مالیات مقطوع ۱،۲۴۷،۰۰۰ (شرکت کوچک) که ۷۴۳٪ مجموع شرکتها را تشکیل می دهند و کل عملکردشان ۱۶۵۸ میلیارد فرانک بود بالغ بر ۳۹۳ میلیارد فرانک مالیات دادند.

چهارمین و پنجمین برنامه گلیست ها کمک به انحصارات را باز هم افزایش داد. زیرا کمک های مالیاتی پیش بینی شده در این دو برنامه که هدیه های واقعی بودند، سود های کلانی نصیب انحصارات عمده ساختند.

از ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۸ سهم مالیات شرکتها که تقریباً ۱۰٪ مجموع منابع مالیاتی دولت بود به کمتر از ۸٪ تقلیل یافت.

استفاده از موسسات دولتی

مهمترین وسیله ای که اکنون دولت به وسیله آن به انحصارات کمک می کند، موسسات دولتی و موسسات ملی (شده) است. سیستم کار چنین است: هنگام فروش کالاها و خدمات به انحصارات، قیمتها و

تعرفه های فوق العاده ناچیزی (حتی پائین تر از قیمت تمام شده) به موسسات ملی شده تحمیل می شود. در صورتی که قیمت همان کالاها و خدمات برای صاحبان صنایع کوچک و متوسط و مصرف کنندگان خانگی خیلی بالاست. — بعکس هنگامیکه انحصارات کالا هایشان را به موسسات دولتی و ملی شده می فروشند، قیمت فروش آنها به مراتب زیاد تر از ارزش واقعی کالاهاست.

موسسات دولتی با فروش کالاها به قیمت نازل و خرید آنها به قیمت گران دچار کسری می شوند (چنانکه ملاحظه می شود این کسری مصنوعی است). بدینسان سودها از بخش دولتی به بخش سرمایه داری انحصاری منتقل می شوند.

همه چیز گران است

منابعی که دولت در اختیار دارد و با آن به انحصارات کمک می کند — از آسمان نازل نمی شوند. آنها از دو راه — محصول استثمار توده های زحمتکشاند:

— سیستم مالیاتی طبقاتی

— تورم

این عوامل قدرت خرید زحمتکشان را کاهش می دهد و بر دوشواریهای زندگی آنها می افزاید.

تورم که برای افزایش مزد واقعی مبارزه می کند، عین حال مبارزه با تورم و اصلاح دیمکراتیک سیستم مالیاتی را هدف خود قرار داده است. این مبارزه موجب کاهش بار سنگین مالیاتها از دوش زحمتکشان می شود و شرکت های بزرگ سرمایه داری را مجبور می سازد که از پرداخت مالیات واقعی طفره نبرند.

پتیه

نقشه های پنتاگون برای ...

واشنگتن سعی دارد این اقدامات را واکنشی در برابر توقیف جاسوسان و توطئه چینان آمریکا در ایران و رویدادهای افغانستان جلوه گر سازد. اما در حقیقت محافل جنگ طلب و آتش افروز آمریکا بمنظور سرکوب جنبش های رهایی بخش ملی و تضمین نفت ارزان برای صنایع انحصارات امپریالیستی این صحنه سازی های مسخره را ترتیب داد مانند تا افزایش روز افزون نیروهای نظامی خود را در اقیانوس هند و خلیج فارس توجیه نمایند.

استراتژی های نظامی پنتاگون از دیرباز برای رسیدن به هدف های خود در مناطق نفت خیز خلیج فارس به توطئه چینی مشغولند. از سال ۱۹۷۵ اقدامات پیش از انقلاب ایران و افغانستان آنها طرح تصرف نوار ساحلی فاصله کویت تا قطر را که ۴۰٪ نفت کشورهای عضو اوپک را تامین میکند تدارک دیده بودند. این طرح بشدت از جانب جیمز شلزینگر که در آن موقع وزیر دفاع بود حمایت و پشتیبانی میشد. در اوت ۱۹۷۷، کارتر رئیس جمهور آمریکا، ایجاد نیروهای واکنش سریع را که قبل از هر چیزی برای تصرف مناطق نفت خیز خلیج فارس اختصاص یافته بود، تصویب نمود. در همین زمان به درخواست ژنرال برزینسکی مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا مسئله عملکرد های آینده سیاست خارجی آمریکا در دانشگاه ها روایت مورد بررسی قرار گرفت و طی آن چگونگی کنترل ذخایر نفتی خاور نزدیک و میانه بوسیله آمریکا برنامه ریزی شد.

در آن موقع مسئله استفاده "متنوع" از نیروهای واکنش سریع "سپعا" در مطبوعات مورد بحث قرار گرفت. در ماه مه سال گذشته یعنی دقیقاً خیلی پیش از توقیف جاسوسان دیپلمات نمای آمریکا در ایران و ورود واحد های محدود اتحاد شوروی به افغانستان مقاله ای به قلم کامرون در مجله فورچون انتشار یافت. او در این مقاله پنج وضعیت را برای اعزام نیروهای سرکوبگر پنتاگون به خاور نزدیک مورد بررسی قرار داد.

وضعیت ۱:

این وضعیت به گود تالی شورشیان در ریاض مربوط میشود. به عقیده کامرون این امر جریان منظم نفت را به خطر می اندازد. ایالات متحده آمریکا در این وضع چه خواهد کرد؟ بدیهی است که در برابر چنین رویدادی به دستور رئیس جمهور پنتاگون فوراً لشکر ۸۲ جت ریزان و لشکر ۱۰۱ هوایرد سیار را به منطقه اعزام خواهد داشت و شورش را سرکوب خواهد نمود. پنتاگون برای این عملیات از نیروی هوایی مستقر در پایگاه های مجاور و نیز از واحد های گلاسه سبزه ها که در جنگ ویتنام شهرت یافتند استفاده خواهد کرد. مدت "واکنش همه" این نیروهای مدخله گر طبق برآورد کامرون از ۷۲ ساعت بیشتر نخواهد بود.

وضعیت ۲:

این وضعیت مربوط به حالتی است که تنگه هرمز با غرق تانکرها و عظیم مین گذاری ها محاصره شود و در عمان نیروهای شورشی دست به عملیات بزنند. پنتاگون برای مقابله با این وضع علاوه بر جت ریزان لشکر ۸۲ و ناوگان دریایی خود در اقیانوس هند و از نیروی هوایی و واحد های ضربتی خود مستقر در پایگاه های منطقه استفاده خواهد کرد. این نیروها ماهوریت دارند. بید رنگ شورشیان را سرکوب کنند، بندرها و پایگاه های تنگه هرمز را تصرف نمایند و به جمع آوری مین ها و بیرون کشیدن تانکرها غرق شده پردازند.

وضعیت ۳:

در صورتی است که عربستان سعودی از دادن نفت به ایالات متحده امتناع کند. در این حالت ایالات متحده کلیه کمکها، پیش از همه کمک نظامی اش را به ریاض قطع میکند. به عقیده کامرون از آنجائیکه ارتش عربستان سعودی عمدتاً از سلاح های آمریکائی استفاده میکند، قطع صدور مهمات، وسایل یدکی و دیگر تجهیزات نظامی، در مدت دو هفته نیروی هوایی عربستان سعودی را فلج خواهد کرد. پس از این اقدام، مرحله دوم عملیات شروع خواهد شد. در این مرحله لشکرهای

هشتاد و دو موصد و یکم با پشتیبانی نیروی هوایی، نیروی زمینی عربستان سعودی را در رهم کویید، کلیه مناطق نفت خیز را تصرف کرده و وصد و رمجد نفت را به ایالات متحده حتمی خواهد کرد.

وضعیت ۴:

این وضعیت حمله احتمالی عراق را به عربستان سعودی و کویت مورد بررسی قرار می دهد. واکنش پنتاگون در این رویداد، وارد آوردن ضربه به نیروهای عراق از طریق نیروی هوایی و رهم کویید تا سیاست این کشور بوی خصوصاً سیاست نفتی است. سپس لشکر ۸۲ جت ریزان و لشکر ۱۰۱ وارد میدان میشوند و در آخر کار تانکها را در ناوگان ششم و هفتم رخنه عراق پیاده خواهند شد.

وضعیت ۵:

نویسنده مقاله برای این وضعیت تا بلوی زیر را ترسیم کرده است: اتحاد شوروی عراق و ایران را اشغال میکند، سپس عربستان سعودی را در رهم کویید و مناطق نفتی آن را تصرف خود در می آورد. در این حالت، ایالات متحده تنها نیروهای واکنش سریع را بکار نمیگیرد، بلکه لشکرهای و سایر نیروهای اش را به میدان می آورد. وانگهی ایالات متحده میتواند تعرض شوروی را انتظار نکند و پیشاپیش کشورهای خلیج فارس را تصرف نماید. به عقیده کامرون برای این کار کافیست که پنتاگون از خطر شوروی آگاهی یابد.

این پیش بینی ها اگرچه گوشه هائی از هنرنمایی های نظامی ایالات متحده آمریکا را نشان میدهند، در عین حال امکان میدهند که از هدف های سیاسی — نظامی پنتاگون در این منطقه از جهان و وظایف نیروهای واکنش سریع تصویر روشنی ارائه شود.

کامرون در این مقاله مانند رجب ال دوتلی ایالات متحده با خون سردی کامل از امکان استفاده از قدرت نظامی آمریکا صحبت میکند. خون سردی نویسنده حد اقل نمایشگر روحیه ضد بشری و تجاوزکار زمامداران ایالات متحده آمریکا است که شبانه روز برای به بند کشیدن ملت ها و نقض خشن حاکمیت آنها به توطئه چینی مشغولند.

پنتاگون برای تمرکز بیسابقه واحد های ضربتی و ناوگان های غول پیکر خود در اقیانوس هند و خلیج فارس منتظر بروز وضعیت پنجگانه نموده، دستاورد دیگری برای اجرای نقشه های شیطانی خود پیدا کرده است.

توقیف جاسوسان دیپلمات نماد ایران و رویداد های افغانستان ایالات متحده را سخت به تکاپو داشته است. کارتر رئیس جمهور آمریکا که زمامداری اش را با جنگ سرد آغاز نمود اکنون بی پروا به استقبال درگیری های نظامی میرود.

تجاوز گستاخانه گره ضربتی آمریکا به ایران به بهانه آزادی جاسوسان آمریکائی که نقض خشن حاکمیت ملی کشور ما بوده است، گوشه ای از نقشه های وسیع پنتاگون را برای سرکوب جنبش های رهایی بخش ملی در این منطقه از جهان نشان میدهد. آمریکاتاب دیدن پیروزی انقلاب ایران و افغانستان را نداد. در صورت ریشه دار شدن این دو انقلاب مخصوصاً تکامل انقلاب در ایران منافع امپریالیسم جهانی و صهیونیسم جهانی بشدت در سراسر منطقه خاور نزدیک و میانه بخطر خواهد افتاد. از این رو امپریالیسم آمریکا و مرتجعین داخلی و منطقه با همه وسائل ازدرون و بیرون به تخریب پایه های انقلاب در این دو کشور برخاسته اند.

برافروختن احساسات ناسیونالیستی، برجسته کردن "خطر شوروی"، توسل به تبلیغات ضد کمونیستی و اختلاف افکندن بین کشورهای ضد امپریالیست منطقه از جمله برنامه هائی است که در جهت تکمیل سیاست مداخله گرانه نظامی آمریکا و تمرکز قوای جهانی وی در منطقه به مرحله اجرا در می آید. باید برای ناکام ساختن تهاجم وسیع امپریالیسم آمریکا در این منطقه که از سال ۱۹۷۷ یعنی پیش از انقلاب ایران و رویداد های افغانستان طرح ریزی شده بود از خود تا مل و هشیاری انقلابی نشان داد و امکان نداد که دام گسترده ای ظریفانه امپریالیسم و عوامل رنگارنگ آن نقشه های وی را در سرکوب انقلاب ایران و افغانستان و خلق های دیگر منطقه کامیاب سازد.

الجزیره به راه انقلابی...

تداوم انقلاب خواهد بود . زیر بنای عمده این پیشرفت ها نیروئی است که گزینش راه رشد سوسیالیستی به عنوان شرط ناگزیر کامیابی در انجام وظایف ساختمان ملی در میان محافل وسیع اجتماعی بدست آورده است .

در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۸ هنگامیکه رئیس جمهور هواری بومدین چشم از جهان فرو بست ، کشور ما دچار چنین وضعیتی شد . مرگ او تظاهرات وسیع توده های را در الجزیره برانگیخت . اندوه و ماتم عمیق گردان های مختلف خلق شاهد صادق وفاداری مردم به آرمانی بود که رئیس جمهور هواری بومدین به عنوان سمبل آنها در خود منعکس ساخته بود . در جریان تدارک کنگره جبهه آزاد بیخشم ملی و انتخاب نمایندگان مبارزه شدت یافت . در همین موقع از ۶ تا ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹ کنگره اتحادیه ملی جوانان الجزیره تشکیل شد . برگزاری این کنگره نشانه ای از کامیابی مهم نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست بود .

کنگره جبهه آزاد بیخشم ملی از ۲۷ ژانویه تا اول فوریه ۱۹۷۹ برگزار شد . نتایج اساسی آن عبارتند از :

— انتخاب شاذلی بن جدید به عنوان کاندیدای واحد ریاست جمهوری پس از انتخاب وی در پست دبیر کلی حزب .
— تصویب تصمیمات مختلفی که نه تنها خط مشی رسمی را تائید می کنند ، بلکه در جهات معینی گام تازه ای به پیش محسوب می شوند .

نخستین نشست پلنوم کمیته مرکزی جبهه آزاد بیخشم ملی این تصمیمات را با استواری تصویب نمود . همه این نتایج منعکس کننده سالهای طولانی مبارزه هستند که طی آن نیروهای راستگرا بیش از پیش افشا شده و ناچار گردیدند که موضع دفاعی اختیار کنند . این یک مبارزه ساده در موضوع تصمیم گیری نبود ، بلکه مبارزه ای برای تصمیم گیری تحت تاثیر نیروهای جب بود .

در مجموع می توان گفت که با وجود از دست رفتن جبران ناپذیر بومدین ، نیروهای پیشرو در تعیین سیاست و امکانات بسیج مردم در جهت آن کامیابی های چشمگیری بدست آوردند .

پشتیبانی حیاتی

حزب آوانگارد سوسیالیستی الجزیره از همه این اقدامات صمیمانه پشتیبانی کرده ، همه نیروهای ترقیخواه را به دفاع از تصمیمات مورد اشاره که به نفع استقلال و تحکیم استقلال ملی است ، فرا خوانده است .

وضع در الجزیره بطور مثبت پیشرفت می کند . پس از چهارمین کنگره حزب جبهه آزاد بیخشم ملی و نخستین نشست کمیته مرکزی آن و تغییرات در درون دولت عوامل مساعدی در جهت استحکام خط مشی ضد امپریالیستی پدیدار شده و رو به گسترش نهاده است . سایر عوامل که متعلق به گذشته اند یا از حوادث تازه سر برآورده اند ، می کوشند مانعی بر سر راه دورنماهای مساعد ایجاد کرده و یا حتی آنرا مخدوش سازند .

مضمون و لحن پیام رئیس جمهور شاذلی بن جدید به خلق الجزیره مهم ترین خطوط ویژه اوضاع و احوال را منعکس کرده و ضرورت اصلی را نشان داده است . این ضرورت با گزینش اساسی سیاسی ما پیوند دارد که هدف آن خدمت به منافع ملی و تمایلات اجتماعی و دموکراتیک شهروندان ماست . این پیام کاملاً با سیاست تحکیم اقتصاد مطابقت دارد که رئیس جمهور بومدین در مارس ۱۹۷۷ خطاب به مجمع ملی خلق اعلام داشت و خود تا پایان عمر در راه آن مجاهدت کرده است .

به موهبت کوشش نیروهای انقلابی الجزیره و سراسر جهان شرایط مساعدی برای اجرای این سیاست وجود دارد .

فعالیت دولت ترمیم و بسیار منظم و هماهنگ شده است . زمینه برای بروز گرایش به کاربرد سیاست بسیار منطقی فراهم آمده است . برای تدوین یک بیان عینی و ترتیب دادن اقدامات ماتی که ضامن استقلال اقتصادی باشد و مسایل اجتماعی را در رابطه با تولید و همیاری با سندیکاها ، کارگران و مدیریت موسسات حل نماید کوشش های زیادی بعمل آمده است .

جنبش رزمی توده های بیش از پیش به شکل دینامیک مستو- لانه و سازنده رشد می یابد .

در کنگره های سندیکا های متعدد و نیز در بسیاری سخنرانی ها و کنفرانس ها به مسئله بی حرکتی و لاقیدی در کار توجه فراوان معطوف شده است . آنها راه بهبود فعالیت در موسسات و هماهنگی آن را با سازمان های اداری نشان دادند . بدیهی است که برای پیشرفت در این زمینه باید مسئله رشد آگاهی سیاسی و مراقبت گسترده در برابر فعالیت های امپریالیسم و ارتجاع را در زیر هر پوشش همواره در نظر داشت .

در حزب جبهه رهائی بخش ملی و دستگاه دولت تغییرات مثبتی در سطوح مختلف صورت گرفته است . این تغییرات با همه محدودیت ها و ناپیگیریها نشان می دهند که در ترک سیاست محافظه کارانه و اسلوب های غیر دموکراتیک و کسار آمدن با محافل معین اقتصادی گام های مثبتی برداشته شده است .

به عنوان نتیجه گیری می توان گفت که روح وحدت ضد امپریالیستی تحکیم یافته ، درک متقابل و همبستگی بین میهن پرستان بخصوص بین آنهایی که وفادار به منشور ملی هستند ، افزایش می یابد . باید امیدوار بود که این روحیه در میان آندسته از میهن پرستان که در لحظه حاضر به منشور ملی و به سوسیالیسم کمتر اعتقاد دارند ، اما صادقانه به مدرنیزه کردن و استقلال ملی وفادارند و به شایستگی خلق ما احترام می گذارند ، گسترش یابد .

خطرهایی که در کین ماست

از سوی دیگر ، این شرایط مساعد نمی تواند خطرها ، دشواری ها و مسائل جدی را که در راه نوسازی و استقلال ملی سر بر آورده اند ، پوشیده نگاهدارد . این دشواریها و خطرهای می طلبند که ما از اعتقاد غالب و در عین حال مخرب که می گوید مرحله سوسیالیسم اکنون فرا رسیده یا بسیار نزدیک شده است ، در گذریم .

ما هرگز ز حتی یک لحظه نباید این نکته اساسی را از یاد ببریم که الجزیره یکی از آماج های اصلی امپریالیسم جهانی است و ارتجاع محلی و منطقه ای به تحقق استراتژی عمومی وی در غارت و سلطه گری کمک می کنند .

هر چند کامیابی های نیروهای ترقیخواه و میهن پرست تا مدت معینی امپریالیسم و ارتجاع را دچار سرگیجه و پویشا نی ساخته ، اما آنها به دقت خود را برای تعرض متقابل آماده می سازند . رژیم پادشاهی مراکش که مورد حمایت امپریالیسم و شرکای وی در آفریقا است ، بخاطر ترس از مسائل خاص درونی خود در مرزهای باختری ما دست به مداخله مستقیم می زند . ملک حسن دوم پادشاه مراکش زیر پوشش "حق تعقیب" واحد های نظامی ویژه ای را برای سرکوب نمودن خلقهای آنگولا و موزامبیک و غیره اختصاص داده و در این کار به رژیم های فاشیستی منطقه چون رژیم نژاد پرست فورستر در آفریقای جنوبی کمک می کند . پادشاه مراکش خود را مکلف می بیند که به الجزیره و دولت وی فشار دائمی وارد کند تا از سیاست ضد امپریالیستی و به ویژه سیاست دفاع از آزادی ، شایستگی و منافع خلق صحرا و نیروی سیاسی رهبری آن جبهه پولیساریو چشم ببوشد .

الجزیره نمی تواند راهی را که ضامن تمامیت ارضی و دستاوردهای انقلابی ماست ، ترک گوید . این راه به منافع ما و اصول همزیستی مسالمت آمیز بین کشورها خدمت میکند . ما در برابر رژیم توسعه طلبی قرار داریم که به نقشه های استراتژیک صهیونیسم و امپریالیسم وابسته است ، رژیمی که آشکارا مخالفتش را با حضور سیستمی مبتنی بر اصول سیاسی وایدئولوژیک دیگر در کنار مرز خود اعلام داشته است . این امر الجزیره را وای می دارد که نیروی دفاعی و اتحاد هایش را هر چه بیشتر تحکیم و تقویت نماید .

امپریالیست ها موفق شده اند شکل های مختلف وابستگی جدید را به الجزیره تحمیل نمایند . البته این امر در پی کوشش هایی است که در راه پیشرفت کشور صورت گرفته ، ولی همیشه با یک استراتژی توأم با گوش بزننگی کافی همراه نبوده است . کمپانی های فوق ملی فشارهای گوناگونی به الجزیره وارد می آورند . آنها با دولت فرانسه در سوء استفاده از مسئله کارگران مهاجر الجزیره برای واداشتن این کشور به تعقیب راه "لیبرال" تر همکاری نزدیک دارند . امپریالیست برای پیشبرد مقاصد خود از وام خارجی الجزیره که به سطح محسوسی در اعمال سیاست ملی رسیده که بدون آن اقدامات لازم میسر نیست ، به نفع خود بهره برداری می کنند . مالکان بزرگ ارضی ، سوداگران ، بازرگانان عمده و سایر محافل که با فعالیت سالم و فایده مند دولت مخالف اند ، تبلیغات طبقاتی خود را در لحظه ای که گام های جدیدی در

جهت ادامه کاری و ژرف کردن انقلاب ارضی برداشته میشود شدت می دهند .

امپریالیسم بین المللی ، ارتجاع عرب و آفریقا و نیز انتر-ناسیونال سوسیالیستی کوشش خود را در جدا ساختن کشورها و نیروهای انقلابی که باید بطور عینی علیه امپریالیسم متحد شوند ، روز به روز افزایش می دهند . بدین منظور به سیاست ضد کمونیسم و ضد شوروی متوسل می شوند . آنها تلاش می - ورزند جنبش غیر متعهد ها را از مضمون ضد امپریالیستی آن بی بهره سازند . هدف امپریالیسم پراکنده ساختن کشورهای غیر متعهد و مخالفت با شکل گرفتن جبهه واحد - شان علیه امپریالیسم نژاد پرستان آفریقای جنوبی ، اقدامات چند ملیتی ها و دولت های امپریالیستی و جلوگیری کردن از ایجاد نظم جدید اقتصادی است .

و در خود الجزیره مخالفان راه سوسیالیستی نه تنها از دشواری های عینی در برابر رشد کشور ، بلکه از تضادهای ذهنی و مسائل بی پایه ای که بین نیروهای میهن پرست سر بر می آورد ، و نیز اختلافاتی که گاه بگاه در کارشان پدیدار می گردد ، به نفع خود استفاده می کنند . آنها با همه وسایل در راه تفرقه نیروها تلاش می ورزند و از سازش و آشتی در بین نیروهای میهن پرست ، ضد امپریالیست و ترقی خواه جلوگیری بعمل می آورند . بنابراین ، نیروهای مذکور برای حفظ وحدت در میان خود به عنوان شرط مهم کامیابی و رسیدن به سطح بی سابقه کیفی و خود آگاهی باید کوشش های زیادی بعمل آورند .

وظایف اصلی

وظایف مطروحه متعدد و بسیار مهم اند . نیروهای ترقی خواه و ضد امپریالیست الجزیره باید برای انجام این وظایف و حل مسائل پیچیده مبارزه در راه رشد کشور شرایط لازم را ایجاد نمایند . وظیفه اساسی دوره کنونی مبارزه برای تولید است . باید با اسباب چینی ها و فشارهای امپریالیسم مبارزه کرد و ابزارهای سیاسی انقلاب را که برای تحکیم و گسترش آن ضرورت دارد ، ایجاد نمود .

حزب آوانگارد سوسیالیستی الجزیره بارها توجه را به این اندیشه اساسی جلب کرده است : الجزیره با تعیین سوسیالیسم به عنوان هدف خود ، در این لحظه یک دوره گذر را طی می کند که مضمون اساسی طبقاتی آن ایجاد بخش دولتی و دفاع از خود در برابر امپریالیسم و ارتجاع است . طبقه کارگر به عنوان طبقه آینده در لحظه معین نقش همواره عظیم تری ایفا می کند و نسبت به کشور نه تنها مسئولیت وسیع اقتصادی بلکه سیاسی دارد که وظیفه آن - ایجاد موسسات و وسایل ضروری سیاسی است .

این امر مستلزم سطح عالی آگاهی انقلابی است و از این رو از چارچوب مسایل صرفاً اقتصادی و مسایل مربوط به کار در می گذرد . باید بطور موثر به حفظ و تحکیم شرایط مساعد کنونی سیاسی و اتحاد عظیم میهن پرستانه پیرامون منشور ملی و گزینش راه سوسیالیستی کمک نمود .

وظایف اساسی این مرحله از انقلاب الجزایر عبارتند از :
— در پیش گرفتن سیاست منطقی ضد امپریالیستی در امور داخلی و خارجی .

— به اجرا در آوردن و تعمیق دموکراسی انقلابی در آن چه که مربوط به ایجاد و کارکرد ابزارهای سیاسی انقلاب است .

بنابراین مسئله عبارت از بالا بردن دائمی سطح ایدئولوژیکی و سیاسی به منظور هدایت بهتر مسائل مرحله مفروض بر اساس حفظ دستاوردهای ملی دموکراتیک برای پیشرفت در راه سوسیالیسم است . نیروهای میهن پرست قبل از هر چیز باید به تعقیب مجموع راهی که سال گذشته به ایجاد شرایط مساعد تر برای شکل بندی و ابزار توان سیاسی انقلاب انجامید ادامه دهند .

— جنبش وسیع توده های ، شکلی که در حال حاضر با تشکیل جبهه ضد امپریالیستی تحقق یافته ، نیاز مبرم کنونی حیات سیاسی الجزیره است و در آینده همواره برای وی - ضروری خواهد بود .

— حزب نیرومند پیشاهنگ مبتنی بر اصول سوسیالیسم علمی که برای رهبری انقلاب سوسیالیستی در راه سوسیالیسم جنبش وسیع ، جبهه ملی ضرورت دارد .

در این راه پیشرفت هایی حاصل شده است . این پیشرفت ها مدیون دریافتی است که ایجاد ابزارهای سیاسی را به شکل بندی ساده دستگاه بوروکراتیک محدود نمی سازد بلکه آن را به هدف ها و مبارزه خلقها و مبارزان و دولت

فصلی از کتاب داغستان من

از رسول حمزه توف ترجمه م. فرنوش

ناتمام بر فراز يك تپه . تاکنون به نثر چیزی ننوشتام . روزی يك نامه دریافت کردم . پیغامی بود از سوی سر- دبیر یکی از مجلاتی که برای من خیلی محترم بود . اتفاقاً خود سردبیر هم نزد من خیلی محترم بود . سردبیر نامه - اش را با این جملات آغاز کرده بود : " رسول محترم " به طور کلی این کلمه عمیق محترم آدم را ناراحت می کند . وقتی کاغذ را باز کردم ، به نظرم آمد که مثل پوست بوفالوتی است که کوه نشینان ما روی بام های مسطح شان پهن می کنند تا خشک شود . وقتی نامه را خواندم ، صدای خش خش صفحات آن درست مثل همان پوست بوفالو بود که حالا خشک شده است و دارند چهارتایش می کنند تا به داخل ساکلیا ببرند . فقط بوی تند پوست نمی آمد . نامه اصلاً بویی نداشت .

سردبیر نوشته بود : " ما تصمیم گرفته ایم در شماره های آینده مجله مان ، دست آورد ها ، تلاش های مثبت و کار روزانه را در داغستان منعکس کنیم . این باید داستان کار- گران باشد . مردان و زنان معمولی ، کارها و آرزوهایشان . داستان " فردای " روشن سرزمین کوهستانی مان ، با سنت های دیرینش . اما این داستان باید بیشتر داستان " امروز " باشد . ما به این نتیجه رسیدیم که هیچکس جز تو نمی توانی چنین مطلبی بنویسی . این دیگر بستگی به خود تو دارد که سبک کار را تعیین کنی ، داستان کوتاه ، مقاله ، طرح ، یادداشت ، یا ... طول مطلب نباید از نه یا ده صفحه بیشتر یا ماشین تحریر باشد و بیست الی بیست و پنج روز مهلت داری . ما امیدواریم ... و قبلاً از تو تشکر می کنیم ... "

روزگاری بود که دختر را بدون نظر خواهی از خود ش-به شوهر می دادند . یعنی به سادگی او را در مقابل عملی انجام شده می گذاشتند . به او می گفتند که ترتیب همه چیز داده شده است . اما حتی در آن روزگار هم هیچکس در کوهستان های ما جرئت نمی کرد پسرش را اینگونه زن دهد . می گویند مردی در " گی داتلی " این را گفته است اما آیا سردبیر محترم من هم از روستاهای " گی داتلی " می آید ؟ او ترتیب همه چیز را برای من داده است . اما آیا من تصمیم گرفته ام که داستان داغستانم را در نه صفحه و در ظرف بیست روز بنویسم ؟

با خشم نامه ای را که برآیم آنقدر موهن بود به دور ترین نقطه " اتاق پرتاب کردم . مدتی بعد تلفنم با چنان سماجتی شروع به زنگ زدن کرد که انگار تلفن نیست بلکه مرغی است که می خواهد تخم بگذارد . مطمئناً " از دفتر مجله بود .

" سلام رسول ، نامه مان بهت رسید ؟ "

" رسید . "

" پس مطلب کجاست ؟ "

" خوب میدانید ... کارهای مختلفی داشتم که ... یعنی وقت نداشتم ... "

" گوش کن رسول ، تو نمی توانی اینطور حرف ما را زمین بزنی . ما نزدیک به يك میلیون تیراز داریم . مجله ما حتی در خارج هم خوانده می شود . اگر واقعاً " خیلی گرفتاری ما یک نفر را می فرستیم کمک کند . تو فقط به او چند ایده بده او خودش باقی کار را انجام می دهد . بعداً " فقط مطلبش را مرور کن ، تنظیم کن و امضای خودت را هم بگذار . مسئله مهم امضای توست .

" هر کس که دوست ندارد مهمان به خانه اش بیاید ، حقش است که تمام استخوان هایش بشکند ، و اگر کسی با اوقات تلخی با مهمان برخورد کند یا اخم هایش را در حضور مهمان توی هم بکشد حقش است که هرگز نه هیچ چیزی برای راهنمایی کردن و نه هیچ جوانی برای راهنمایی شدن به خانه اش بیاید . ما در سرزمین مان اینطور به مهمان اهمیت می دهیم . فقط بخاطر الله ، سالی خالف را پیش من نفرست من بدون کمک او هم می توانم سازم را کوب کنم و گلیم را از آب بیرون بکشم . می گویند ، کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من ... "

حرف هایمان همین جا تمام شد . والسلام ، والكلام . پس يك ماه مرخصی گرفتم و به سوی دهکده زادگاهم " تسادا " براه افتادم .

تسادا ! هفتاد اجاق گرم . دود آبی رنگ ، که از هفتاد دودکش به آسمان پاک کوهستان سر می کشید . ساکلیاهای سپید بر متن سیاه خاک . دشتهای سبز مسطح مشرف بر دهکده و کلبه ها . و پشت دهکده ، کوهستان که سبز بیرون کرده است . صخره های خاکستری چنان بر فراز دهکده ، ما آویخته اند که گوئی کودکانی بر پشت بام گرد آمده اند تا جشن عروسی را که در حیاط خانه برگزار می شود دزدانه تماشا کنند .

وقتی به تسادا رسیدم بیاد نامهای افتادم که پدرم در اولین سفرش به مسکو برایمان فرستاده بود . همیشه مشکل می شد تشخیص داد که پدر شوخی می کند یا جدی حرف می زند . مسکو برای پدر حیرت آور بود .

" به نظر می رسد که اینجا در مسکو ، مردم برای پخت و پز در خانه هایشان آتش روشن نمی کنند . تا به حال هم زنی را ندیده ام که روی دیوار خانه " کی زیاک " (۲) درست کند .

از روی پشت بامها هم که دودی شبیه به کلاه پوستی ابوطالب باشد بلند نمی شود . از غلظت هائی که با آن پشت بامها مان را صاف می کنیم خبری نیست . من نمی بینم ! اینجا مردم روی بامهاشان یونجه خشک کنند . اما اگر اصلاً " یونجه خشک نمی کنند ، پس به گاوهایشان چه می دهند ؟ تا بحال حتی يك زن را هم ندیده ام که با يك دسته هیزم یا يك بار علف راه برود . نوای سورنا (۳) ، و صدای دایره رانشیدام

انسان از خود ش می پرسد ، پس این ها مگر از دواج نمی کنند ، جشن عروسی نمی گیرند ؟ نمی دانید چقدر در خیابان های این شهر غریب راه رفته ام و هنوز حتی يك گوسفند هم ندیده ام . حالا این سؤال پیش می آید که مردم مسکو وقتی برایشان مهمان می آید چه چیز را قربانی می کنند ؟ اگر با قربانی يك گوسفند ، به مهمانان خیر مقدم نمی گویند ، پس چه می کنند ؟ نه ، من حسرت این زندگی را نمی خورم . می خواهم زود تر به " تسادا " برگردم تا بتوانم با خیال راحت ، خینکالی (۴) بخورم و به زخم هم بگویم که مقدار زیادی سیر به آن بزنند ... "

پدر وقتی مسکو را با دهکده " زادگاهش مقایسه می کرد ، کمبود های زیادی در آن شهر می دید . مسلماً " وقتی می- گفت که چرا روی دیوارهای شهر " کی زیاک " خشک نمی - کنند ، شوخی می کرد اما وقتی می گفت دهکده " خود ش را به آن شعر بزرگ ترجیح می دهد ، حرفش جدی بود . او - عاشق " تسادا " بود و حاضر نبود آن را با هیچیک از پایتخت های بزرگ عالم عوض کند .

تسادای عزیزم ! من از همان دنیا به سوی تو باز می گردم که پدر آن همه " کمبود " در آن می دید . من سراسر جهان را در نور دیدم و چیزهای حیرت آور بسیار دیدم . چشمها یم آنقدر ریباتی دیده که خیره ماند هست نگاهم از يك معبد پرشکوه ، بر معبدی دیگر ، از يك چهره زیبا ، بر چهره ای دیگر گذر کرده است ، اما همیشه اندیشیدم که هر اندازه چیزی که اکنون می بینم زیبا باشد باز فردا چیزی زیباتر خواهم یافت . مگر نمی دانی که جهان ، بی کران است ؟

من از بتکده های هندوستان ، اهرام مصر و کلیساهای ایتالیا طلب بخشایش می کنم و امیدوارم که شاهراه های آمریکا ، بلوارهای پاریس ، پارک های بریتانیا و کوهستان های سویس و نیز زنان لهستان ، ژاپن و رم مرا بیخشانند . من همه " شما را ستایش کرده ام . اما به هنگام دیدار شما ضریان قلبم تغییری نکرده است ، و در دهانم احساس خشکی و در سرم احساس سرگیجه نکرده ام .

پس چرا نمای هفتاد ، " ساکلیا " که کوهپایه را در آغوش گرفته اند ، قلبم را به تپش و میدارد و اعضای بدنم را به درد می آرد ، چشم هایم را تاری می کند و سرم را آن چنان به دوران می اندازد که گوئی مست یا بیمارم ؟

آیا ممکن است که دهکده ای کوچک در داغستان زیباتر از ونیز ، قاهره ، یا کلکته باشد ؟ آیا آن زن " آواری " که با باری از هیزم کوره راهی را طی می کند ، خوبتر از زن بلند بالا و ظلائی موی اسکندیناویائی است ؟

تسادا ! من در مزارع تو سرگردان می شوم و شبنم خنک صبحگاهی پاهای خسته ام را شستوش می دهد . صورتم را در جویبارهای کوهستانی و آب چشمه ساران فرو می برم . گفته اند که اگر تشنه ای از آب چشمه ای بنوشی که از دل زمین می جوشد . و نیز گفته اند که - پدرم هم می گفت - مردان تنها دو بار ممکن است به زانو بیفتند : که از آب چشمه ای بنوشند ، یا گلی را بچینند .

تسادا ، تو چشمه سار منی ، به زانو می افتم و جرعه جرعه می نوشتم . بقیه در صفحه مقابل

نوشته زیر بخشی است از کتاب " داغستان من " اولین اثر منشور رسول حمزه توف شاعر بزرگ " آوار " زبان داغستانی و برنده جایزه " لنین " " داغستان من " در ادبیات معاصر اتحاد شوروی حادثه مهمی تلقی می شود . این کتاب که سبکی غیر عادی و بدیع دارد ، نوعی اتوبیوگرافی است که اعترافات نویسنده ، و عقاید او را درباره زندگی و هنر و عشق پرشورش را به داغستان بازگو می کند . سبک بدیع کتاب ، با شیوه های نثر نویسی شرقی در آمیخته است ، یعنی سرشار است از کلمات قصار ، ضرب المثل ها و حکایات کوتاه و جابجا چند بیت شعر یا داستانی کوتاه روند عادی نوشته را قطع می کند . و اینها همه ، گاه خیال انگیز ، گاه غمناک ، و زمانی آموزنده و سرشار از دریافتی است که تنها در ادبیات عوام یافت می شود .

رسول حمزه تف در کوههای قفقاز ، در دهکده های کوچک نزدیک خزر متولد شد . پدرش " حمزه تف تسادا " شاعر مردم داغستان بود . رسول از یازده سالگی شعر میسرود و پس از اتمام دوره دبیرستان وارد انستیتوی ادبیات مسکو شد و تحت تعلیم شاعران برجسته شوروی قرار گرفت . در همان زمان اشعار وی به زبان روسی ترجمه شد و به زودی جای خود را در ادبیات معاصر شوروی باز کرد .

رسول به بیشتر نقاط دنیا سفر کرده ، اما همواره به دهکده کوچک خویش " تسادا " در کوههای داغستان بازگشته است ، تا از زندگی نوین مردم و طبیعت زیبای سرزمین خود بنویسد : " داغستان تو عشق من ، عهد و میثاق من و نماز من هستی . تو به تنهایی موضوع اصلی تمام آثار من و سراسر زندگی من هستی . "

نزدیک به چهل جلد آثار رسول حمزه تف به تمام زبان های جمهوری های شوروی و چندین زبان زنده دنیا ترجمه شده است . او با نوشته هایش رسالت معرفی سرزمین و خلق داغستان را به جهانیان ، به نیکی انجام داده است .

چگونه این کتاب زاده شد و کجا نوشته شد

حتی بچه های کوچک رویاهای بزرگ دارند . (نوشته ای روی يك گهواره)

تفنگی را که فقط یکبار به آن نیاز پیدا می کنیم ، تمام عمر به دوش می کشیم .

ابیاتی را که تمام عمر زمزمه می کنیم ، فقط یکبار می نویسیم .

پرنده های بهاری ، بر فراز دهکده های بهاری به پرواز در آمد . او به دنبال جایی بود تا راحت کند . پرنده ، بام صاف و وسیع و پاکیزه " ساکلیا " را که غلظتی سنگی روی آن قرار داشت ، نشانه رفت . از فراز آبی بلند فرود آمد و بر سنگ نشست تا بیارامد . زنی چالاک ، پرنده را گرفت و به داخل " ساکلیا " برد . پرنده دید که همه در آن خانه با او مهربانند ، پس آنجا ماندگار شد . لانه ای برای خود روی نعل اسبی که به دیوار قدیمی او دزد ها آویخته شد مبد . ساخت :

آیا کتاب من چیزی شبیه به این نیست ؟ چند بار من از فراز آسمان شمرم به دره نثر نگریسته ام و به دنبال جایی بودم تا بر آن فرود آیم .

نه ، بهتر است هواپیمائی را مثال بزنم که می خواهد بر فرودگاهی بنشیند . من آخرین چرخ را قبل از فرود می زنم ، اما برج کنترل به خاطر بدی هوا ، اجازه نشستن نمی دهد . پس باز اوج می گیرم ، پرواز می کنم و به پرواز ادامه می دهم . سرزمین آمل من ، باز آن پائین ، در دور دست ها باقی می ماند . این بارها برای من اتفاق افتاده است .

پس فکر کردم که هرگز نمی توانم سنگی محکم برای تکیه کردن پیدا کنم . پاهایم باید همچنان زمین را در نورند . چشم هایم دنبال جایی تازه بر زمین ، هرگز نیارامند و قلبم ترانه های نوبسراید ، اما آرام نگردد .

مانند شخم زنی که سربلند می کند و ابری را که از فراز سرش می گذرد ، یا فوجی از درناها را که با هم پرواز می کنند ، با ستایش می نگرد و سپس با نیروئی دو چندان دسته های خیش را می فشارد ، من نیز شعری را که نیمه کاره رها کرده بودم ، از سر می گیرم .

اگر چه بارها شمرم را با افلاک مقایسه کرده ام ، اما او کشتگاه من است ، زمینی است در انتظار شخم ، کاری است

قطعه نامه درباره امنیت و...

کشورهای ناتو که توازن قوای موجود را به هم میزنند و اروپا را در معرض یکتهدید هسته‌ای تازه و جدی قرار می‌دهد، به سبب آن که منظور از آن عقیم گذاشتن توافق سالت ۲ می باشد، افزایش تصاعدی جدید تسلیحات هسته‌ای را در اروپا موجب خواهد شد. در نتیجه این وقایع اوضاع بین المللی بطور جدی به وخامت گزاید ما ست. پارهای حوادث گوناگون بین المللی که در ارزیابی آنها اختلاف نظرهایی می تواند باشد، به ایجاد جو خطرناکی برای صلح کمک کرده است. تشنج زدائی در اروپا جدا به خطر افتاد است و این امر به طور عمد هنر

نتیجه عدم تصویب موافقتنامه سالت ۱۲ از سوی ایالات متحده آمریکا و نیز تصمیمات ناتو در واشنگتن به سال ۱۹۷۸ و د ربرو- کسل به سال ۱۹۷۹ می باشد. این اوضاع خطیر، اقدام واحد را از سوی وسیع ترین اتحاد نیروهای صلح دوست می طلبد تا بتوان هرگونه فعالیت امکان پذیر را برای مقابله با خطر جنگ سازمان داد. آنچه منظور ماست عبارت است از:

- درخواست اجرای کامل سند نها-ئی هلپسینکی،
- درخواست آن که تشکیل اجلاس آتی کمیته امنیت و همکاری اروپا در مادرید در پاییز امسال مشروط به شرط قبلی نباشد،
- درخواست آن که در اجلاس

مادرید، امضاء کنندگان توجه خود را بر اجرای سند نهائی هلپسینکی متمرکزکنند و در فضای روحی سازنده‌ای به کار بپردازند.

- پشتیبانی از پیشنهاد تشکیل کنفرانس در باره رفع تشنج نظامی و خلع سلاح در اروپا پس از اجلاس مادرید و تلاش برای پیشرفت واقعی مذاکرات وین در خلال این مدت،
- پافشاری برای لغو یا تعلیق تصمیم مربوط به صف آرائی موشکهای هسته‌ای با برد متوسط (پرشینگ ۲ و کروزر)،
- در اروپای غربی و شروع مذاکرات در این باره.
- درخواست تصویب فوری قرارداد - سالت ۲،
- ایجاد فشار به منظور انعقاد پیمان

خود داری از مقدم شدن در استفادهاز سلاح های اتمی و غیر اتمی بین امضاء کنندگان کمیته امنیت و همکاری اروپا، - تشویق پژوهشها و اقداماتی که به تبدیل تولیدات جنگی به تولید صلح آمیز منجر شود، - حفظ و گسترش همه گونه تعاسها و همکاریهای اقتصادی، فرهنگی، علمی و ورزشی که پیش از این در اروپا صورت می گرفته است.

این فعالیتها به ثبات افکار عمومی در اروپا و سایر نقاط جهان کمک خواهد کرد و تشریک مساعی همگان را برای موفقیت " پارلمان جهانی ملت ها برای صلح " که از ۲۳ تا ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۰ در صوفیه برپا می شود، تشویق خواهد کرد.

تخته سنگی را می بینم و هیكلی سایه وار بر آن. این من هستم، سی سال پیش از این، روی سنگ نشسته ام و به گله گوسفندان چشم دوخته ام. کلاه پوستی بزرگی بر سر دارم و چوب بلندی در دست. خاک روی پاهایم نشسته است.

کوره راهی می بینم و هیكلی سایه وار در آن. این من هستم، سی سال پیش از این. به دهکده همسایه می روم، احتمالاً پدر مرا دنبال کاری فرستاده است.

در هر قدم خودم را می بینم، سال های کودکی ام را، بهارانی را که گذشته اند، آن باران ها، گل ها، و برگ های پاییزی را که فرو می افتادند.

برهنه می شوم و زیر آبخار نقره فام می ایستم. جویبار که از تخته سنگی فرو می ریزد، به هشت آبخار کوچک تقسیم می شود، که باز هم به هم می پیوندند و باز آن آبخار بزرگ بر سر و دست و شانه هایم فرو می ریزد و می شکند. دوش آب رویال پالاس پاریس، در مقایسه با آبخار سرد من به بازیچه ای پلاستیکی می ماند.

در میان سنگها برکهای است. آب جویبار کوهستانی قطره قطره فرو می ریزد و برکه را پر می کند. آب در آفتاب نیمروز گرم و مطبوع می شود. وان آبی رنگ هتل متروپول لندن در مقایسه با برکه کوهستانی من، به دستشوئی کوچکی می ماند.

به راستی که من شیفته پرسه زدن در خیابان های شهرهای بزرگ هستم. اما همیشه پس از پنج یا شش بار پیاده روی طولانی، شهر تازگی اش را برایم از دست می دهد و تمام اشتیاقم برای ادامه گردش میان می رود.

اما اینجا، در خیابان های کوچک دهکده ام برای هزارمین بار راه می روم و سیر نمی شوم. اشتیاقم فرو نمی نشیند.

این بار به يك يك خانه ها سر کشیدم و در برابر تمامی اجاق های سنگی، با آتش فروزان، یا با ذغال برافروخته، و یا با خاکستر سرد و بی جان سرفروید آوردم. بر سر من نیز خاکستر سرد و سپید زمان نشسته بود.

در کنار گهواره ها ایستادم. گهواره هایی که زنان و مردان آینده کوهستان را در خود می پرورند. در کنار گهواره هایی که خالی بودند، اما هنوز گرمای تن آدمی را در خود داشتند، ایستادم. در کنار گهواره هایی که مدت های مدید بود که سرد و خاموش بودند ایستادم.

در هر گهواره خودم را خفته می دیدم و به نظرم می آمد که هنوز تمامی زندگی را پیش رو دارم: راههای کوهستانی را، جاده های پهناور روسیه را و شاهراهها و فرودگاههای سرزمین های دور دست را.

بر گهواره های کودکان خم شدم و برایشان لالائی خواندم. آنقدر خواندم تا به آواز ساده من به خواب رفتند. و نیز در گورستان " تسادا " پرسه زدم، جایی که گورهای قدیمی و پوشیده از علف، با گورهای که بوی خاک تازه می دهد، درهم آمیخته اند.

در مجالس تحريم خاموش نشستم و در جشن های عروسی شادمانه رقصیدم. قصه های بسیار شنیدم، افسانه هایی که هرگز نشنیده بودم. و آنچه که روزگاری می دانستم و از یادم رفته بود، باز به یاد آوردم. از ژرفنای تاریخ و بی انتهای حافظه ام، خاطره ها بیرون جوشید.

آنچه را که تازه بود با چشمانم می دیدم، و به آنچه که کهنه بود گوش می سپاردم و بیادش می آوردم. اندیشه هایم

همچون نخ های رنگینی که گرد دوك نخ ریزی پیچیده می شوند، با هم می آمیختند. در ذهن تصویری نقش کردم از فرشی هزار رنگ که با تار و پود این اندیشه ها خواهم بافت.

همین دیروز بود که با کودکان هم بازی لانه های پرندگان را غارت می کردم و بعد ناگهان من بزرگ شدم و عشق چشم آبی ام از راه رسید. همین دیروز بود که من مردی بزرگ بودم خشک و جدی و قابل احترام و بعد ناگهان عشق از راه رسید و چنان لبخندی زد که باز مرا به کودکی مبدل کرد.

بله، من يك شعرا شقانه ناتمام دارم. در باره يك مرد و يك زن. من آن مرد هستم، و قهرمان زن، معشوقه من است. باید شعر را به پایان برسانم، اما مثل کسی که تلگراف مهمی دریافت کرده باشد، تمام کارهایم را زمین می گذارم و به طرف فرودگا می روم.

ممکن است اینطور اتفاق بیفتد: زنی از اهالی کوهستان صبحدم آتش اجاق را می افروزد. می خواهد آنچه که از غذای دیشب مانده، گرم کند. آن غذا برای تمام خانواده کافی است. اما ناگهان مهمانی از راه می رسد. پس غذای دیروز را باید بکناری نهاد و غذای تازه فراهم کرد. یا ممکن است اینطور اتفاق بیفتد: در مجلس عروسی مردان جوان در کنار داماد نشسته اند. آن ها دوستان و همنشینان دامادند. اما ناگهان بزرگترها وارد مجلس می شوند و آن ها ناگزیر بر می خیزند و جای خود را به پیران می سپارند.

یا ممکن است اینطور اتفاق بیفتد: در اتاق پذیرائی بزرگترها جمع شده اند. کودکان هم همانجا بازی می کنند. اما ناگهان کودکان را از اتاق بیرون می کنند تا در باره موضوع مهمی با هم بحث کنند.

گاه به نظرم می رسد که به يك شکارچی، یا يك ماهیگیر یا يك اسب سواری مانم. ایده ها را شکار می کنم، می گیرم و بر آن ها مهار می زنم. ایده ها را به مهمیزی کشم. و گاه به نظرم می آید که يك آهو، يك ماهی یا يك اسب هستم و حالا این ایده ها هستند، افکار و احساسات هستند که بدنیالم می آیند، مرا می گیرند، مهار می زنند و به مهمیزم می کشند. به راستی که اندیشه و احساس، مانند مهمانان در کوهستان: بدون دعوت و سرزده از راه می رسند و همانطور که نمی توان خود را از مهمان پنهان کرد، از آنان هم نمی توان گریخت.

ما مردم کوهستان، تفاوتی میان مهمان ها نمی گذاریم و آن ها را به مهم و غیر مهم، یا اصلی و فرعی تقسیم نمی کنیم. بی اهمیت ترین مهمان ها، تنها به این خاطر که مهمان ماست، برایمان بسیار عزیز است. بی اهمیت ترین مهمان ها احترام بیشتری دارد تا پیرترین مهماندارها. ما بی آنکه از مهمان بپرسیم که از کجا می آید، تا آستانه دريه پیشوازش می رویم، او را تا جایگاه گرم کنار آتش راهنمائی می کنیم و بر بالش های نرم می نشانیم.

در کوهستان، مهمان همیشه بی خبر می آید. اما ما هم همیشه انتظارش را می کشیم و از آمدنش حیرت نمی کنیم. ما همیشه در انتظار مهمانیم. هر روز، هر ساعت، هر لحظه

موضوع این کتاب طوری به سراغ من آمد که مهمانان در کوهستان می آیند.

یا ممکن است اینطور اتفاق بیفتد: که تو یا بی حال و پاندر را از روی دیوار بر می داری و فقط برای اینکه کار دیگری نداری که بکنی با آن بازی می کنی. می خواهی ببینی آیا کوش میزان هست یا نه. چند زخمه بر آن می زنی. بعد نوائی به ذهنت می رسد. اصوات به نر می در فضا رها می شوند. آنگاه شروع به خواندن می کنی و هیچ نمی فهمی که شب به پایان رسیده است و صبح می دم.

یا ممکن است اینطور اتفاق بیفتد: جوانی برای يك کار بی اهمیت به دهکده مجاور می رود، اما وقتی بر می گردد پشت زین اسبش همسر جوانی نشسته است.

سرد بیر عزیز، من با تقاضای شما موافقت می کنم و به زودی کتابی در باره داغستان خواهم نوشت. اما باید مرا ببخشید که نمی توانم در مهلت مقرر کتاب را آماده کنم. کوره راه های بسیاری هستند که باید ببیمایم و می دانید که راههای کوهستانی سخت و پیچا پیچند.

کوهستان من در دور دست درخشی سحر انگیز دارد و به هزاران قطعه گوهر پرداخت نشده می ماند. سمند من در فضائی بیکرانه باید بتازد و نمی خواهد در دره ای تنگ براند.

من نمی توانم داغستانم را در نه یا ده صفحه خلاصه کنم و نیز نمی توانم در باره " دست آورده ها، تلاش های مثبت، و کار روزانه "، " مردان و زنان معمولی، کارها و آرزوها - یشان "، " فردائی سرزمین کوهستانی ام، و سنت های دیرینا شو یا در باره " امروز " ش چیز بی بنویسم.

قلم ناتوان من نمی تواند این بار سنگین را تحمل کند. این قطره کوچک جوهر که بر نوک قلم من می لغزد، نمی تواند رود های آرام و عظیم سیلاب های پر همه کوهستانی یا سرنوشت جهان و تقدیر انسان را در خود جمع کند. پرنده بزرگ پر خون است و پرنده کوچک کم خون. مقدار خون پرنده به بزرگی و کوچکی او بستگی دارد.

گفته اند که: کسی هسته میوه ای را دور انداخته اتفاقاً آن هسته بر سر گوزنی افتاد. از آنجا شاخه هایی پر شکوه روئید.

گفته اند که: اگر علی نمی بود، هرگز عمری پیدا نمی شد. اگر شب نمی بود، هرگز صبح جایی برای بیرون آمدن پیدا نمی کرد.

گفته اند که: " ای عقاب در کجا زائیده شدی؟ " " در دره ای باریک " " ای عقاب به کجا پرواز می کنی؟ " " به آسمان های پهناور ".

زیر نویسها

* مردم داغستان قریب سی و شش ملیت مختلف را تشکیل می دهند. " اوار " ها یکی از این ملیت ها هستند و زبان خاص خود را دارند.

۲ - کی زیبا نوعی کود خیوانی است که برای سوخت بکار می رود.

۳ - سوزنا سازی شبیه به آبوی غربی هاست.

۴ - خینکالی نوعی کباب پر ادویه است.

۵ - پاندور آلتی موسیقی شبیه به یاند و رای باستانی که در قفقاز آن استفاده می شود.

قانون اساسی تازه افغانستان

اخيرا قانون اساسی جمهوری د مكراتيك افغانستان از سوى شورای انقلاب آن كشور انتشار یافت و نافذ گشت. نظر به ضرورت اكاھى درست ما ایرانیان بر حوادث كشور برادر و دوست و همسایه ما افغانستان به منظور اتخاذ سیاستی واقع بینانه و دراز تعلقینات مغرضانه اعمال امپریالیسم كه به يك اندازه با انقلاب ایران و انقلاب افغانستان دشمنی دارند و به يك اندازه در تخریب ارکان هرد و انقلاب میکوشند، ماعین قانون اساسی نامبرده را در دسترس خوانندگان عزیز میگذاریم، با شد كه به روشن شدن اذهان كمك كند.

" اتحاد مردم "

اعلامیه

شورای انقلابی جمهوری د مكراتيك افغانستان مبنی بر تصویب و اعلام اصول اساسی جمهوری د مكراتيك افغانستان

۲۵ حمل ۱۳۵۹

شورای انقلابی جمهوری د مكراتيك افغانستان به نمایندگی از تمام مردم مسلمان زحمتكش افغانستان، به اساس اراده واقعی و منافع كارگران، دهقانان، كسبه كاران، كوچیان، روشنفكران و سایر زحمتكشان و کلیه نیروهای د مكراتيك و وطنپرست، تمام ملیت ها، اقوام و قبایل كشور.

با احترام عمیق و رعایت جدی به عنعنات تاریخی، ملی، و فرهنگی و دینی مردم مشرفتمند افغانستان.

با پیروی قاطعانه از دین مبین اسلام.

با احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر.

با پیروی از سیاست صلحجویانه و دوستی و همکاری با تمام خلقهای منطقه و جهان.

بمنظور دفاع از استقلال ملی، تمامیت ارضی و نظام جمهوری د مكراتيك افغانستان.

بمنظور تحکیم وحدت و برادری و اتحاد خلقها و تمام ملیتها، اقوام و قبائل ساکن در وطن محبوب واحد ما افغانستان.

بمنظور انكشاف و پیروزمند انقلاب ملی و د مكراتيك شور و تحقق اهداف و آرمانهای آن مبنی بر ایجاد جامعه نوین صلح و کار، آزادی و عدالت، برادری و برابری، د مكراسی و ترقی، اصول اساسی جمهوری د مكراتيك افغانستان را تصویب، نشر و انفاذ آن را از تاریخ اول شوری ۱۳۵۹ اعلام می دارد.

بسم الله الرحمن الرحيم

اصول اساسی

جمهوری د مكراتيك افغانستان

فهرست

- فصل اول: اساسات نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
- فصل دوم: حقوق اساسی و تکلیفهای اتباع
- فصل سوم: لویه جرگه (شورای عالی) جمهوری د مكراتيك افغانستان
- فصل چهارم: شورای انقلابی جمهوری د مكراتيك افغانستان
- فصل پنجم: شورای وزیران جمهوری د مكراتيك افغانستان
- فصل ششم: ارگانهای محلی، قدرت دولت و اداره
- فصل هفتم: نظام قضایی و فعالیتهای محاکم
- فصل هشتم: خارنوالی
- فصل نهم: نشان، پرچم، پابخت
- فصل دهم: احکام نهایی

انقلاب شور ۲۵۷ که در ۶ جدی ۱۳۵۸ وارد مرحله نوین

خود در تاریخ پرافتخار ملی افغانستان گشت، انقلاب ملی - د مكراتيك ضد فئودالی و ضد امپریالیستی را آغاز نمود، در نتیجه انقلاب شور و ملت طراز جدید جمهوری د مكراتيك افغانستان كه بپایانگزارمانها و مدافع منافع دیرینه زحمتكشان و تمام خلقهای كشوری باشد بوجود آمد. مردم مشرفتمند و زحمتكش افغانستان در مسیر تحول انقلاب اجتماعی و قوم ملی و به پیروزی رسانیدند. نهائی انقلاب ملی د مكراتيك و اعمار جامعه نوین که بر مبنای صلح و آزادی، ترقی و عدالت، برادری و برابری استوار است قرار گرفتند. سوق دادن افغانستان از عقب ماندگی بسوی پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تحت رهبری حزب د مكراتيك خلق افغانستان، حزب طبقه کارگر و تمام زحمتكشان كشور به اساس اراده و توده های وسیع مردم احترام عمیق و رعایت جدی عنعنات ملی، تاریخی، کلتوری و دینی مردم با پیروی قاطعانه از اصول دین مبین اسلام احترام به اعلامیه حقوق بشر بر مبنای سیاست صلحجویانه و دوستی، همکاری با تمام خلقهای منطقه و جهان صورت می گیرد.

جمهوری د مكراتيك افغانستان دفاع از استقلال ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، تحکیم عمیق دستاوردهای انقلاب شور و تحقق اهداف و آرمانهای والای آن، تحکیم، رشد و تکامل بیش از پیش نظام مترقی و پیشرو د مكراتيك افغانستان تا مین اشتراك وسیع و فعال زحمتكشان و تمام نیروهای د مكراتيك ترقیخواه و وطنپرست كشور در تحولات انقلاب ملی و د مكراتيك ضد فئودالی و ضد امپریالیستی و دفاع از وطن و انقلاب شور را که توسط حزب د مكراتيك خلق افغانستان و شورای انقلابی صورت میگیرد وظیفه خود می دانند.

بمنظور تحقق اهداف متذکره، شورای انقلابی جمهوری د مكراتيك افغانستان به ماثبه عالی ترین ارگان (مقام) قدرت د ولتی كشور و ممثل واقعی آزادی اراده تمام مردم افغانستان فیصله نمود که تا زمان تصویب قانون اساسی جمهوری د مكراتيك افغانستان بوسیله لویه جرگه (شورای عالی) این اصول اساسی جمهوری د مكراتيك افغانستان منظور نافذ گردد.

و عنعنات تمام ملیتها، اقوام و قبایل كشور را حفظ و انكشاف میدهد.

ماده هشتم:

قوای مسلح و بخارند وی جمهوری د مكراتيك افغانستان از دستاوردهای انقلاب شور، استقلال ملی، وحدت و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی كشور دفاع میکنند.

دولت به منظور تقویه و استحکام قوای مسلح و بخارند وی و تربیه منسوبین آن به روحیه وطن پرستی و عشق به وطن، صداقت به اهداف و آرمانهای انقلاب شور، همبستگی با زحمتكشان سایر ممالك و به منظور تامين اشتراك منسوبین قوای مسلح در ریحیات اجتماعی و سیاسی و بهبود وضع مادی فامیل های ایشان تدابیر لازم اتخاذ میکنند.

ماده نهم:

دولت نقش و نقش وطنپرستانه سران و پریش سفیدان و تمام اعضای قبایل كشور را که در نواحی خود صلح، برادری و آرامی را تامين و از سرحدات جمهوری د مكراتيك افغانستان دفاع می کنند پشتیبانی بعمل می آورد و در تعمیم مؤثرترین فعالیتت نجیبانه مساعدت همه جانبه را به آنان مبذول میدارد.

ماده دهم:

سیاست خارجی جمهوری د مكراتيك افغانستان بر تحکیم صلح عام و تمام انكشاف همکاریهای وسیع بین المللی و حفظ منافع د ولتی كشور استوار است.

اساس فعالیت سیاست خارجی جمهوری د مكراتيك افغانستان را اصول همزیستی مسالمت آمیز و سیاست عدم

جمهوری د مكراتيك افغانستان و خلق افغانستان استفاده کند.

دولت به فعالیت های وطنپرستانه روحانیون و علمای دینی در اجرای وظایف و تکلیفهای شان كمك و مساعدت میکند.

ماده ششم:

د جمهوری د مكراتيك افغانستان فعالیت های اتحادیه های کارگری سازمانهای زنان و جوانان، انجمنهای علمی، کلتوری و هنری و سایر سازمانهای اجتماعی و د مكراتيك زحمتكشان که در صفوف خویش کارگران، دهقانان، كسبه كاران، روشنفكران و سایر اهالی را به مقصد بالا بردن تشکل و ارتقای فعالیت های اجتماعی و تولیدی، تعمیم اهداف و وظایف انقلاب شور و تامين منافع خاصه ایشان متحد می سازند تشویق و پشتیبانی میشود.

ماده هفتم:

جمهوری د مكراتيك افغانستان سیاست تساوی حقوق، دوستی برادرانه و رشد همه جانبه تمام ملیتها، اقوام و قبایل اعم از خورد و بزرگ ساکن در وطن واحد ما افغانستان را عملی ساخته به همبستگی زحمتكشان تمام ملیتها، اقوام و قبایل كشور در مبارزه به منظور تحقق اهداف و آرمانهای انقلاب شور مساعدت کرد و حقوق قانونی ایشان را تامين و تضمین می کند.

هدف جمهوری د مكراتيك افغانستان احیای عدم تساوی در سطح رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمام مناطق كشوری باشد.

جمهوری د مكراتيك افغانستان بهترین و گرانمایه ترین آثار میراث فرهنگی

مشترك در تعمیم و وظایف انكشاف ملی و د مكراتيك كشور، در تربیه مردم به روحیه وطنپرستانه و جلب وسیع اتباع د اراره امور دولت و جامعه مساعدت کند.

ماده چهارم:

حزب د مكراتيك خلق افغانستان، حزب طبقه کارگر و تمام زحمتكشان كشور، نیروی رهبری کنند و سوق دهند جامعه و دولت بود، بپایانگزاران و منافع كارگران، دهقانان، روشنفكران، تمام زحمتكشان و نیروهای ملی و د مكراتيك و مدافع ثابت قدم منافع واقعی تمام خلق های ساکن وطن واحد افغانستان می باشد.

حزب د مكراتيك خلق افغانستان به اساس اراده خلق افغانستان اصول انقلاب ملی و د مكراتيك را در سیاست داخلی و خارجی خویش ملاک عمل قرار داد. تعمیم تداریجی اهداف و وظایف انقلاب شور را تعیین نمود، مبارزه تمام خلق افغانستان را در ایجاد جامعه نوین، عادلانه و فراخ استعمار و فرار فرود رهبری می کند.

ماده پنجم:

د جمهوری د مكراتيك افغانستان احترام رعایت و حفظ دین مبین اسلام تامين می شود و آزادی اجرای مراسم دین و مذهبی برای تمام مسلمانان تضمین می گردد.

پیروان سایر ادیان در اجرای مراسم دینی و مذهبی شان که آسایش و امنیت جامعه را تهدید نماید آزاد یا کامل ندارند.

هیچیک از اتباع حق ندارند از دین به مقصد تبلیغات ضد ملی و ضد مردمی و وسیله ارتکاب سایر اعمال خلاف منافع

فصل اول

اساسات نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.

ماده اول:

جمهوری د مكراتيك افغانستان دولت مستقل و د مكراتيك تمام مردم زحمتكش مسلمان افغانستان اعم از کارگران، دهقانان، كسبه كاران، كوچیان، روشنفكران و سایر زحمتكشان و تمام نیروهای د مكراتيك و وطنپرست کلیه ملیت ها و اقوام كشور می باشد.

ماده دوم:

دولت برای رفاه و سعادت مردم خدمت نموده زندگی صلح آمیز، مصون و آرام رشد همه جانبه افراد، حفظ حقوق، ملکیت حیثیت، رسوم و عنعنات ملی ایشان را تامين می کند. د جمهوری د مكراتيك افغانستان قدرت د ولتی متعلق به زحمتكشان شهروند می باشد و توسط ارگانهای کاملاً د ولتی و محلی که از طریق د مكراتيك تاسیس میشود، عملی میگردد.

ماده سوم:

قدرت زحمتكشان د جمهوری د مكراتيك افغانستان متکی به جبهه وسیع ملی پدر وطن است که کلیه کارگران، دهقانان، كسبه كاران، كوچیان، روشنفكران، زنان، جوانان و نمایندگان تمام ملیتها و اقوام، کلیه نیروهای مترقی، د مكراتيك و وطنپرست، و سازمانهای اجتماعی و سیاسی كشور را تحت رهبری حزب د مكراتيك خلق افغانستان، به اساس برنامه عمومی اعمار جامعه نوین، آزاد و د مكراتيك متحد می سازد.

جبهه ملی پدر وطن موظف است تا در اتحاد تمام نیروهای خلق جهت فعالیت

بقیه:

قانون اساسی تازه افغانستان

انسلاک مثبت و فعال تشکیل میدهد .
 ماده ۴۱ یازدهم :
 جمهوری د مکراتیک افغانستان دوستی و همکاری همه جانبه عنعنوی خود را با اتحاد شوروی و همکاری مناسبات دوستی را با سایر ممالک اتحاد سوسیالیستی بر اصل همبستگی انترناسیونالیستی توسعه و استحکام میبخشد .
 ماده ۴۲ دوازدهم :

جمهوری د مکراتیک افغانستان به حیث یک کشور صلحجو برای حفظ و تحکیم مناسبات دوستانه با سایر ممالک بخصوص ممالک همسایه و تمام ملل و دول مسلمان بر اساس احترام متقابل به استقلال ملی و حاکمیت ملی، تعامیت ارضی و عدد مداخله را مورد اخلی یکدیگر مجد انه سعی نموده و جهت توحید مساعی مسلمانان و سایر خلفهها در تلاش عمومی برای صلح، آزادی، ترقی و همکاری بین ایشان مساعدت میکند .
 ماده ۴۳ سیزدهم :

جمهوری د مکراتیک افغانستان برای حل عادلانه و صلح آمیز تمام مسائل حل نشد موجوده بین کشورهای همسایه در منطقه بر اساس اراده نیک و اصول همزیستی مسالمت آمیز صرف مساعی میکند .
 ماده ۴۴ چهاردهم :

جمهوری د مکراتیک افغانستان از مبارزه ملل و خلقهای جهان برای صلح، آزادی ملی و اجتماعی، د مکراسی، ترقی و برضد استعمار نو و امپریالیسم، برضد صهیونیسم، رسیزم، فاشیسم، تبعیض نژادی و آپارتاید پشتیبانی میکند .
 ماده ۴۵ پانزدهم :

جمهوری د مکراتیک افغانستان به خاطر دفاع از صلح جهانی، د جهت خلع سلاح عمومی و قطع مسابقات تسلیحاتی، جلوگیری از توسعه سلاحه ذ روی از بین بردن پایگاههای نظامی متجاوز و رقله روییگانگان، انکشاف و تعمیق پروسه تخفیف تشنجات بین المللی و استقرار نظم عادلانه اقتصادی بین المللی مساعی بعمل می آورد .
 د جمهوری د مکراتیک افغانستان تبلیغ جنگ ممنوع است .
 ماده ۴۶ شانزدهم :

جمهوری د مکراتیک افغانستان منشور سازمان ملل متحد و اصول قبول شده عمومی حقوق بین المللی را احترام و رعایت کرد و از فعالیت های سازمان ملل متحد مبنی بر تحکیم صلح و انکشاف همکاری های بین المللی پشتیبانی میکند .

ماده هفدهم :

د جمهوری د مکراتیک افغانستان ملکیت بها شکل دولتی، ملکیت عامه مردم، کوپراتیف خصوصی و ملکیت شخصی وجود دارد .
 د دولت تمام اشکال ملکیت قانونی را حفظ و دفاع می کند . ملکیت منابیع زیرزمینی، سایر منابیع طبیعی، منابیع انرژی با نکها، موه سسات، بیمه، وسائل عمد تولید د صنایع ثقیله د دستگاه های مخا براطی، راد بیوتلوویزیون، منحصر به د دولت می باشد .

ملکیت عامه مردم از حمایت مخصوص برخوردار است .
 د دولت فعالیت شرکتها را که در آن سهم دارد تشویق، حمایت و نظارت میکند .
 ماده ۴۷ هجدهم :

د دولت رشد ملی را بمنظور محای عقب ماندگی اقتصاد کشور، ارتقای سطح زندگی خلق های تمام ملیتها، اقوام، و قبایل افغانستان، امحای تمام انواع استثمار و اعمار جامعه و مطابق به آرمان های انقلاب ثورسوق میدهد .

د دولت به این منظور پلان های انکشاف اجتماعی و اقتصاد دی را که متکی به فعالیت سازند ه و خلاق زحمتکشان است علما طرح و تنظیم می کند .
 د دولت تشبثات خصوصی را تشویق، حمایت و کنترل میکند و در این زمینه مساعدت مادی و معنوی مینماید .
 ماده ۴۸ نوزدهم :

د دولت ملکیت دهقانان و سایر زمینداران را بر زمین مطابق به احکام قانون محترم شمرده و تضمین میکند .
 د دولت جهت تحفیل تحولات د موه کراتیک د رزراعت به نفع توده های وسیع دهقانان و با اشتراک فعال ایشان تد ابیراتخاذ میکند به دهقانان از طریق قرضه های بانکی کمک لازمی نماید . برای دریافت ماشین آلات زراعتی، تخم های بذری اصلاح شده، کود کیمیاوی، فروش محصولات و مواد خام زراعتی مساعدت میکند، رشد و انکشاف کوپراتیف های تولیدی، استهلاکی و سایر انواع آنرا د رزراعت تشویق و حمایت مینماید .
 ماده ۴۹ بیستم :

د دولت برای کوچیان، قبایل و مالداران امکانات استفاده رایگان را از چراگاهها بصورت عادلانه تضمین مینماید و برای کوچیان حق سیر آزادانه راد ر قلمبرو کشور نیز تضمین میکند .

د دولت برای کوچیان، قبائل و مالداران از طریق کمکهای بلاعوض و قرضه های بانکی به شرایط با امتیاز مساعدت لازمی مینماید و سایر مساعدت ها راد ررا ه رشد مالداری

فروش محصولات و ارتقای سطح زندگی مادی، فرهنگی و معیشتی ایشان میندول میدارد .
 ماده ۵۰ بیست و یکم :

جمهوری د مکراتیک افغانستان فعالیتهای تولیدی کسبه کاران، اتحاد د اوظلبانان ایشان راد ر کوپراتیف های تولیدی بمنظور موه ثریت بیشتر سازماندهم تولید، تامین مواد خام و فروش محصولات تشویق و حمایت می کند .

د دولت مطابق به قانون مصونیت سرمایه گذاری های خصوصی را به منظور انکشاف اقتصاد ملی تضمین و اشتراک سرمایه داران ملی راد ر انکشاف صنایع خدمات و ترانسپورت و زراعت تشویق و حمایت میکند .

د دولت با د نظر داشت منافع ملی تمامی مردم افغانستان د عرصه تجارت انکشاف تجارت داخلی و خارجی را تشویق و نظارت میکند . به این منظور دولت پرچون فروشی و عمد فروشی آزادانه را مجاز دانسته و کنترل عمومی قیم را به دوش دارد . به شرکت های تجاری و تاجران ملی د ر عملی ساختن تجارت خارجی، واردات و صادرات مساعدت میکند، افزایش تولیدات و کیفیت اموال صادرات و راتشویق و د رقابیل رقابت انحصاری امپریالیستی حمایت میکند .
 ماده ۵۱ بیست و دوم :

د دولت ملکیت خصوصی را مطابق به قانون حفظ و حمایت میکند . استفاده از ملکیت خصوصی علیه منافع جامعه و مردم مجاز نیست . د دولت ملکیت شخصی اتباع را که از طریق مجاز بدست آمد د تضمین میکند . قانون حق وراثت ملکیت خصوصی و شخصی را تعیین و تضمین میکند . استعمال ملکیت خصوصی د ر بدلتا دیه قیمت مطابق به عدالت اجتماعی و قانون مجاز است .
 ماده ۵۲ بیست و سوم :

د دولت مطابق به قانون و متکی به اصل عدالت انواع و اواند از مالیات را طبق عایدات شخصی تعیین میکند .
 ماده ۵۳ بیست و چهارم :

پالیسی جمهوری د مکراتیک افغانستان د رساحه انکشاف اجتماعی، فرهنگی و کلتوری بر تحکیم وحدت کارگران، دهقانان، کوچیان، روشنفکران کسبه کاران، تاجران، روحانیون، و علمای وطنپرست و تمام نیروهای د مکراتیک و وطنپرست کشور، تمام ملیتها، اقوام و قبایل افغانستان امحای بقایای مناسبات فیودالی و ماقبل فیودالی، عقب ماندگی، بیکاری، بی سوادی، فقر، مرض و ارتقای سطح زندگی مادی و کلتوری هر خانواده استوار است .

به این منظور پروگرام های مبنی بر امحای کامل بیسواد ی انکشاف وسیع معارف، حفظ الصحه و تامينات اجتماعی علم و تخنیک، کلتور و هنر، تربیت بدنی، سپورت و خدمات معیشتی بصورت متداوم عملی میگردد .
 ماده ۵۴ بیست و پنجم :

د دولت تامین منازل مسکونی مساعد را برای زحمتکشان یکی از وظایف عمد خود می شمارد .
 ماده ۵۵ بیست و ششم :

خانواده، ماد روظفل تحت حمایت خاص د دولت قرار میگردد . د دولت د رمورد صحت ماد روظفل توجه خاصی میندول میدارد و جهت ایجاد شرایط وسیع برای زن د ر تحصیل، کسب مسلك و تدارل کار تد ابیرلا زم اتخاذ مینماید . اورگانهای د ولتی، سازمانهای اجتماعی و مکاتیب موظفند د ر تربیه اطفال به خانواده ها کمک کنند .

د دولت مواظبت جوانان را به عهدده میگیرد، برای آنان امکانات تعلیم و آموزش مسلکی را فراهم میسازد، جهت تامین کار به آنان، ایجاد شرایط مساعد جهت تربیه معنوی و اخلاقی، رشد جسمانی و اشتراک وسیع خلاق د ر اعمار جامعه نوین مساعدت میکند .
 فصل دوم

حقوق اساسی و مکلفیت های اتباع

ماده ۵۶ بیست و هفتم

تابعیت جمهوری د مکراتیک افغانستان مساوی است .
 حصول تابعیت جمهوری د مکراتیک افغانستان و سلب آن توسط قانون تنظیم میگردد .

اتباع افغانستان د ر خارج از حمایت و پشتیبانی جمهوری د مکراتیک افغانستان برخوردارند، هیچیک از اتباع جمهوری د مکراتیک افغانستان به د دولت خارج تسلیم داده نمیشود .
 ماده ۵۷ بیست و هشتم :

تمام اتباع افغانستان د ر مقابل قانون مساوی اند . تمام اتباع افغانستان بدون د نظر داشت تعلق نژادی، ملی، قبیله ای، زبان، جنس، محل سکونت و اقامت، دین، تحصیلات، نسب، دارائی و موقف اجتماعی حقوق و مکلفیت های مساوی دارند . تساوی حقوق اتباع د ر تمام شؤون زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و کلتوری تامین میگردد .

هیچکس نمیتواند از حقوق و آزادیهای د مکراتیک علیه منافع جمهوری د مکراتیک افغانستان و حقوق سایر اتباع استفاده کند .
 بقیه د ر شماره آینده

انقلاب را فراتر از بلند پروازی های حزب می دانند با امید و گام به گام به وحدت سیاسی خود ادامه خواهند داد . آن ها در هر شرایط د ر فعالیت خود از اصول مشترک برای همه میهن پرستان الهام می گیرند .
 - کمک و شرکت در مبارزه برای تولید و رشد کشور تا پیروزی نهائی آن .
 - دفاع از کشور و دستاورد های انقلاب علیه امپریالیسم و ارتجاع منطقه .

(کوتاه شده از آفریقای کمونیست، سه ماهه چهارم ۱۹۷۹)

یادآوری

مقاله " تحولات اجتماعی در جامعه روستائی ایران " و هنر و ارتباط آن با دیگر اشکال آگاهی اجتماعی، بعلمت تراکم مطالب د ر این شماره، د ر شماره های بعدا د ام خواهد یافت .

تعمیق کوشش های از پیش آغاز شده برای نوسازی سازمان های توده ای، د دستگاه دولت و جبهه آزاد بپخش ملی است . حزب آوانگارد سوسیالیستی الجزیره به سهم خود معتقد است که چنانچه روند انقلابی با کامیابی به گسترش خود ادامه دهد، الجزیره خواهد توانست در چارچوب شرایط ما شاهد روزهای خوشی برای ایجاد یک حزب سوسیالیستی بدان سان که در بالا شرح داده شده باشد . از این رو، حزب ما اتحاد کنونی بین هواداران سوسیالیسم را در هر کجا که هستند، به عنوان یک اتحاد استراتژیک تلقی میکند، نه یک اتحاد گذرا و تاکتیکی، و معتقد است که این اتحاد ناگزیر شکل سازمانی اش را در جریان رشد انقلاب خواهد یافت . شالوده چشم انداز اتحاد استراتژیکی، پشتیبانی استوار، از منشور ملی به عنوان " معیار مشترک " همه انقلابیون است که به غنی شدن، تکامل یافتن خود ادامه خواهد داد . کمونیست های الجزیره که منافع ملی و رشد

بقیه

الجزیره به راه انقلابی ...

مربوط می داند . این دریافت هر چه کاملتر ارتباط زنده، دینامیک و دیالکتیکی جنبش توده ای، وحدت عمل نیروهای وسیع ضد امپریالیستی و مبارزه، شرایط و عناصر تشکیل دهنده یک حزب پیشاهنگ طراز نوین را در نظر دارد .
 د شواری عبارت از تعیین دقیق وظایف بینابینی است که مراحل را در راستای هدف اساسی دراز مدت تشکیل می دهند . تردیدی نیست که فعالیت در این جهت در صورتی با کامیابی همراه است که ما در آینده نیز (به موهبت جنبش نیرومند توده ای) به پرورش کادرهای با انعطاف و فعال برای رهبری توده ها که از هم اکنون در جبهه آزاد بپخش ملی آغاز شده، کمک کنیم .
 در لحظه کنونی، این امر به معنای ادامه، توسعه و

تنبیه

سیاست ایران انقلابی...

سیاست ایران انقلابی کدام است و به کدام منتهی میشود؟ و آیا آنچه تاکنون به نام ایران انقلابی در عرصه بین المللی صورت گرفته است می تواند سیاستی سنجیده و آینده نگرشمرده شود؟

شک نیست که انقلاب ضد امپریالیستی ایران، بویژه با گسترش و عمق و خصلت خلقی هر روز نمایان تر شدن تعادل نیروها را در سطح کشور، منطقه و حتی جهان برهم زده است. نیروی سرائیتی هم که در این انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی است بر اهمیت نسبی ایران در کل سیاست جهان بسی می افزاید. ولی، با برهم خوردن تعادل در یک لحظه تاریخی، و جوب و لزوم خود تعادل از بین نمی رود. خواه ناخواه، تعادل دیگری جانشین تعادل پیشین میشود. ایران انقلابی در این کار چه نقشی باید داشته باشد و برای آینده نزدیک در ایجاد و تحکیم چگونه تعادلی باید بکوشد؟ مسئله سیاست ایران و برنامه ریزی عاجل آن در راستای منافع کشور، مردم مستضعف و انقلاب در این پرسش مطرح است، و نمی توان از دادن پاسخ به آن شانه خالی کرد.

مادر جهانی بسرمی بریم که در آن دنیوی اصلی فعال- اند: از یک سو امپریالیسم جهانی که غارتگری و تجاوز به استقلال و حاکمیت ملی دیگران در سرشت آن است، و از سوی دیگر اردو- گاه سوسیالیسم و همه کشورهای استقلال طلب رویه رشد کند. دست کم در مقابل با تجاوزگری امپریالیسم دارای نفع مشترک اند. هر یک از این دنیوی عظیم میدان جاذبه های دارند. انقلاب ما را از میدان جاذبه امپریالیسم بیرون کشید، و این بزرگترین دستاورد انقلاب است که استقلال ملی ما را ممکن ساخت. ولی، تا زمانی که ما خود را به خط تعادل، به خط موازنه بالفعل این دنیوی نرسانیم، امکان جذب مجدد ما از سوی امپریالیسم، با نیرنگ ها و تدبیرهایی که مستقیم و غیر مستقیم میزند و واسطه- هائی که در لباس دوست خیرخواه "مسلمان" برمی انگیزد، وجود دارد. آنچه در گردانندگان امروزی سیاست ایران تا حد وسواس دیده میشود، نگرانی شان از کشیده شدن ایران به میدان جاذبه نیروی اصلی دیگری است. این نگرانی وسواس گونه، که تبلیغات رسانه های گروهی امپریالیستی و انواع "تئوری" های بهم بافته نویسنده نشان پیوسته بدان خسرواک میدهد، تا به حدی است که گاه سرب دشمنی لجاج آمیز با اتحاد شوروی میزند و متاسفانه دوباره هم مجال بیروزی ریک کنفرانس بین المللی یافته است. از شگفتی های قابل تامل آن کما در این دو کنفرانس اسلامی، هر جا که در راستای همین وسواس، تا باید کنند گانی یافته ایم، امثال پاکستان و عربستان سعودی و اندونزی و عمان و دیگران بودند، و هر جا که در راستای دعوت به بازنگری واقعیات، شناخت دوست و دشمن و پرهیز از دامها، مخالفانی دلسوز و نگران داشتیم، نمایندگان سوریه و لیبی و جبهه آزادیبخش فلسطین و دیگران بودند که با سهل انگاری وابسته به روسیه شوروی وصف میشوند. این گونه سخنان غیر مسئول و این موضعگیری های قاطع ولی بی پایه و دستان را از ما میماند و ما را در رصحنه جهان منزوی می سازد. باید هر چه زود تر از این راه بن بست بد آمد، باید به نیروی زنده انقلاب، یعنی به توده های بیخاسته ای که ضامن استقلال و پیشرفت ایران اند، اعتماد کرد و ترس و وسواس خود را خواست انقلاب جانزد. سیاست انقلابی ایران بویژه در این مرحله مبارزه مرگ و زندگی با امپریالیسم، حق ندارد بروا قیات جهان امروز چشم ببندد. ما به امکانات فنی و بازرگانی، به راههای ترانزیتی و به پشتیبانی سیاسی اردوگاه سوسیالیسم در مبارزه با تحریم اقتصادی و تهدید جنگی آمریکا و متحدانش نیاز داریم. ما راجه به آنکه با مامشتی فتوال وایلخان شورشگر افغانی که در آرزوی بهره کشی دهقانان و دیگر حجتگشان خمیاز می کشند در یک مجمع بین المللی هم نشین و هم آواز شویم؟ ما از انقلاب افغانستان نه تنها زبان نمی بینیم، بلکه وجود آن در مرزهای شرقی ایران ما را از بسیاری تحریکات امپریالیستی مصون میدارد. ما باید دستی را که رئیس دولت جمهوری در مکراتیک افغانستان به سوی مادر راز کرده است به دوستی بفشاریم. انقلاب ایران و انقلاب افغانستان، دست کم از جنبه ضد امپریالیستی شان، با هم پیوند نزدیک دارند. یک دیگر باید گفت و تاکید کرد که انقلاب ایران برای آن که پیروز شود باید تکلیف دوستان و دشمنان خود را معین کند. نمی توان در فضا سیاست معلق ماند و نه باد دوست و دوست بود و نه باد دشمن دشمن.

بقیه:

سرمایه داری و جهان در راه رشد

اوائل دهه ۱۹۷۰ تولید سرانه کالاها و خدمات کشورهای سرمایه داری ۱۳ برابر کشورهای در حال رشد بود. بحران اقتصادی ۱۹۷۵ - ۱۹۷۴ که جهان سرمایه داری را تکان داد، این گرایش را موقتا متوقف نمود، ولی پس از بحران، این فاصله دوباره فزونی گرفت و خود را به سطح آغاز سال های ۷۰ رسانید.

بنا بر این اگر ملاحظه می شود که شکاف اقتصادی کشور- های سرمایه داری و کشورهای نوپا از حیث قدر مطلق تولید کلی بتدریج رو به کاهش نهاده، تعمیق این شکاف از حیث تولید سرانه در اقتصاد جهانی سرمایه داری همچنان فرما- نروائی دارد. این گرایش بدون مقاومت گسترش نمی یابد و در همه جا چون گذشته نیست، بلکه بر حسب دوره ها و مناطق عمده به شکل فوق العاده ویژه ای نمود آرمی شود. این فاصله در مناطقی که از حیث اقتصادی عقب مانده- ترین مناطق جهان استعماری سابق بودند، مثل کشورهای آفریقا، جنوب و جنوب شرقی آسیا که در آن پیشرفت تولید طی همه دهه های پس از جنگ بطور محسوس کمتر از سایر مناطق جغرافیائی جهان بود، با آهنگ مخصوصا "سریعی افزایش یافته است.

در عین حال، کشورهای آمریکای لاتین و به ویژه کشور- های تولید کننده نفت خاور نزدیک و میانه در زمینه فاصله اقتصادی در جهت معکوس عمل کرده اند. با اینهمه (صرف نظر از محروم بودن قدرت علمی و فنی) اکثریت قاطع کشورهای این مناطق از حیث رشد اقتصادی و به ویژه صنعتی هنوز دهها سال با مراکز سرمایه داری جهان فاصله دارند. در سالهای ۷۰ ناموزونی پدید آمده از حیث تاریخی در آهنگ های رشد اقتصادی منطقه ای و بین منطقه ای بطور محسوس فزونی پیدا کرده است. اما این ناموزونی به هیچ وجه مسئله مشترک خلق های این کشورها را در تحکیم مبارزه ضد امپریا- لیستی در چارچوب اقتصاد جهانی سرمایه داری نمی کند. مسئله رشد سریع با حدت ویژه ای برای کشورهای که از حیث اقتصادی بسیار عقب مانده اند و در شرایط فروپاشی سیستم استعماری امپریالیسم معمولا "آهنگ های رشد اقتصادی بسیار نازلی دارند، مطرح است. آمار بین المللی اونکتاد که مخصوصا به بیان شاخص های ۳۰ کشور عقب مانده آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین مربوط می شود، نشان می دهد که در ۱۹۷۷ تولید سرانه متوسط ناخالص ملی در این گروه از کشورهای قریب ۶/۳ بار نسبت به ادهای متوسط جهان در راه رشد کمتر بوده است. به بیان دیگر، در این کشورها، تولید سرانه کالاها و خدمات تقریبا "۴۵ بار کمتر از کشورهای سرمایه داری بود. باید یاد آور شد که شکاف اقتصادی بین آنها بسیار سریع افزایش یافت، زیرا نرخ رشد متوسط سالیانه تولید در تولید ناخالص ملی سرانه این گروه از کشورها نا- چیز بود و در ۱۹۷۷ - ۱۹۵۰ تقریبا: از ۷/۰ درصد فراتر نرفته است.

تغییرات حاصله در تناسب تولید کلی کشورهای سرمایه داری و کشورهای در راه رشد با زتاب روند بسیار نامتجانس و متضاد است. آنها بدون استثنا مجموع بیلان رشد همه قلمرو فعالیت اقتصادی خلقهای هر دو گروه کشورها را منعکس می سازند. بدین جهت مشخصه رشد تولید کلی - شان نمایشگر درجه بالانسبه عالی انتزاع است. در هر حال این امر برای تحلیل واقعی مسئله ضرورت دارد. زیرا امکان می دهد ایده های سنتتیک و کلی از حرکت واقعی رویدادها بدست داده شود. مارکس در مقدمه بر اقتصاد سیاسی می- نویسد: "تولید بطور کلی یک مفهوم انتزاعی است. اما انتزاعی تعقلی در حدی که خطوط مشترک را خوب تأکید و ترسیم کند و ما را از تکراری نیاز سازد. با اینهمه، این خصلت عمومی یا خطوط مشترک که استخراج آن از راه مقایسه میسر شده، خود مجموعه بسیار بخرنجی را تشکیل می دهد که عناصر آن برای نمایاندن مشخصه های مختلف از هم فاصله می گیرند."

البته، چارچوب مقاله اجازه نمی دهد که تمام انواع تغییرات حاصله در مهمترین قلمروهای اجتماعی این دو گروه از کشورها با شرح و بسط کافی روشن شود. ما در این جا روی برخی گرایش های رشد دراز مدت گروههایی از شاخه های اقتصاد شان تکیه می کنیم که مضمون مشخص مسئله وجود شکاف اقتصادی بین کشورهای یاد شده را در اقتصاد جهان- نی معاصر سرمایه داری نشان می دهند.

شکاف اقتصادی در شاخه های کلیدی

بررسی جوانب مختلف شکاف فزاینده موجود در قلمرو تولید صنعتی و کشاورزی بین کشورهای سرمایه داری و کشور- های در راه رشد برای فهم مسئله مورد تحلیل اهمیت بسیار زیادی دارد. هر یک از این شاخه ها جای ویژه ای در تولید کلی دو گروه از کشورهای یاد شده دارند. اگر در جریان روند شکل بندی تولید ناخالص ملی کشورهای سرمایه داری - صنعت همواره نقش درجه اول را بازی نموده است، در کشور های عقب مانده اقتصادی، مستعمره و وابسته نیروی محرک اصلی کشاورزی آنها در سطح بسیار نازل بود. در بسیاری از کشورهای رهائی یافته، آغاز مبارزه برای محو عقب ماندگی کشاورزی که از دوران استعمار به ارث مانده موجب تسریع آهنگهای رشد تولید کشاورزی شده است. طی سال هائی که در جدول شماره ۲ منعکس است، تولید کشاورزی در گروه کشورهای در راه رشد تقریبا: ۲۲ بار افزایش یافت، در صورتیکه میزان این افزایش در کشورهای پیشرفته سرمایه داری - تنها ۳ بود. این امر بیانگر افزایش وزن مخصوص کشورهای در راه رشد در تولید کلی کشاورزی اقتصاد جهانی سرمایه داری است. از اواسط سالهای ۷۰ بیش از نیمی از تولید کل کشاورزی به کشورهای مستعمره و وابسته سابق اختصاص یافت.

آهنگ های رشد متوسط سالیانه کشاورزی

و صنعت بنا بر گروه کشورهای (به %)

Table with 2 columns: Group of countries, and a sub-table for Agriculture and Industry growth rates from 1950-1960 to 1960-1970.

حجم عمومی تولید کالا

Table with 2 columns: Investment and Growth, and a sub-table for total production volume from 1950-1960 to 1960-1970.

تولید سرانه

Table with 2 columns: Investment and Growth, and a sub-table for per capita production from 1950-1960 to 1960-1970.

* محاسبه بر اساس: سالنامه محاسبات آمار ملی سازمان ملل سالنامه آمار و بولتن ماهانه آمار برای سالهای مربوط

این جدول در صورتیکه رشد جمعیت در نظر گرفته شود منظره دیگری پیدای کند. چنانکه می دانیم در مدت مذکور جمعیت کشورهای در راه رشد تقریبا "دو برابر و کشورهای سرمایه داری یک سوم افزایش یافت. اما رشد حجم تولید کشاورزی در کشورهای گروه نخست به زحمت با رشد جمعیت هماهنگ بود، در صورتیکه رشد آن در کشورهای گروه دوم دو- بار بیشتر از رشد جمعیت بوده است. از این رو می بینیم که شکاف بین این دو گروه کشورها در قلمرو مفروض تولید اجتماعی بیش از پیش افزایش یافته است. در آغاز دهه ۵۰ نسبت این شکاف ۲٫۴ برابر بود، اما در پایان دهه ۷۰ این نسبت به ۲٫۶ برابر سود کشورهای سرمایه داری فزونی یافت. بنابراین، با اینکه سهم تولیدات کشاورزی در تولید ناخالص ملی کشورهای در راه رشد ۵ برابر سهم کشورهای سرمایه داری است، رشد ناچیز آن در مقایسه با رشد جمعیت علت اساسی عقب ماندگی تولید کلی سرانه کشورهای در راه رشد است. اختلاف بین رشد و پویائی تولید کشاورزی همواره به عنوان یک مسئله در جهان در راه رشد باقی میماند و پیوسته ژرفا می گیرد (۱)

زیرنویس:

۱ - حجم تولید سرانه کشاورزی در ۱۹۷۸ - ۱۹۶۹ در کشور های آمریکای لاتین ۳٪ و در کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا ۵٪ افزایش یافت، در صورتیکه میزان آن در کشورهای خاور نزدیک و میانه ۳٪ و در آفریقا ۸٪ کاهش یافته است. (اونکتاد، جزوه تجارت بین المللی و آمار رشد، نیویورک، ۱۹۷۹ صفحه ۵۲۳)

هفته نامه

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمود اعتمادزاده به آذین،

تهران، خیابان سزاوار شماره ۱۸۹

تلفن ۶۴۴۳۸۴